



مرکز تحقیقات اسلامی

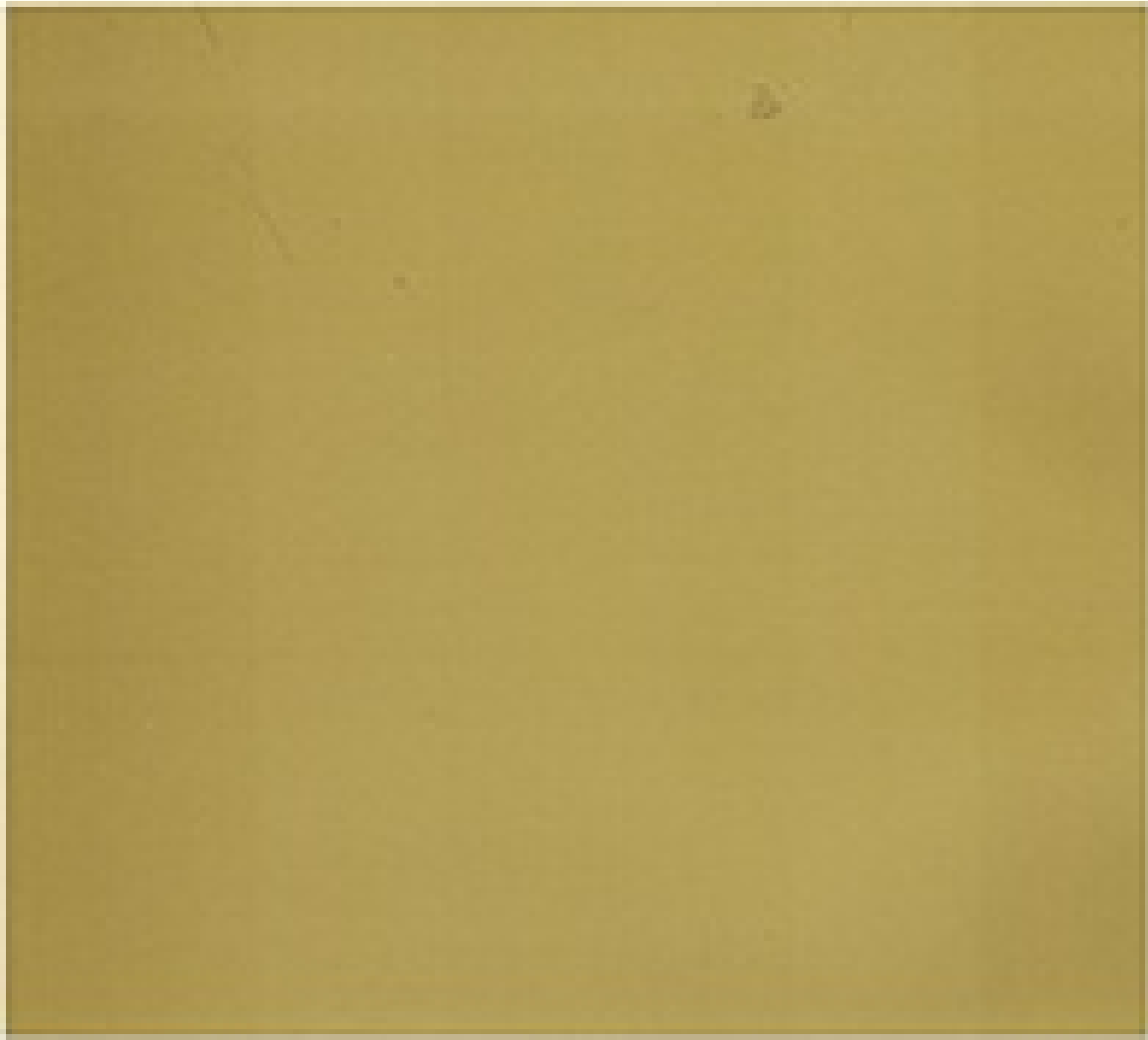
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



موسسه تخصصی زبان و فرهنگ اسلامیات

ارکونشناسی

موسسه تخصصی زبان و فرهنگ اسلامیات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگو شناسی

نویسنده:

حسین مهدی زاده

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
الگو شناسی	۸
مشخصات کتاب	۸
دبیاجه	۸
پیش گفتار	۱۳
فصل اول: کلیات	۱۶
اشاره	۱۶
۱. مفهوم شناسی	۱۶
اشاره	۱۶
الف) الگو	۱۶
ب) تقلید	۱۶
۲. ضرورت وجود الگوها	۲۱
۳. شرایط کلی الگوها	۳۳
فصل دوم: اثر گذاری الگوها	۴۱
اشاره	۴۱
۱. چگونگی اثر پذیری از الگوها	۴۱
۲. شرایط اثر گذاری الگوها	۴۳
اشاره	۴۳
الف) ضرورت آمیختگی تقلید با منطق و پرهیز از مقلد پروری بدون استدلال	۴۴
ب) نزدیکی و هماهنگی میان الگو و الگوپذیر	۴۵
ج) گونه گونی الگوها	۴۶
د) استمرار معرفی الگو	۴۷
ه) هماهنگی میان الگوها	۴۸
۳. گستره اثر گذاری الگوها	۴۸

۴۸ اشاره
۴۹ الف) خانواده، اولین و مهم ترین الگوی تربیتی فرزندان
۴۹ اشاره
۵۲ الگوی اول: پدر تندخو و مستبد، مادر مهربان و آرام
۵۲ الگوی دوم: پدر مهربان و آرام، مادر تندخو و مستبد
۵۳ الگوی سوم: پدر تندخو و مستبد، مادر تندخو و مستبد
۵۳ الگوی چهارم: پدر مهربان و آرام، مادر مهربان و آرام
۵۵ ب) تلویزیون، الگوی برجسته یادگیری مشاهده ای
۵۹ فصل سوم: آسیب شناسی تقلید از الگوها
۵۹ اشاره
۶۰ ۱. اشتباه در تشخیص مصداق کمال
۶۱ ۲. اشتباه در تعیین مصداق اسوه کامل
۶۲ ۳. اشتباه در محدوده شایستگی های الگوها
۶۲ اشاره
۶۲ الف) شخصیت گرایی
۶۶ ب) تقلید کورکورانه
۶۸ ج) پیروی از اکثریت
۷۲ د) تضاد و اصطکاک بین رفتار الگوها
۷۴ ه) لغزش الگوها
۷۶ و) ناهماهنگی میان گفتار و رفتار الگوها
۷۷ ز) وابستگی فکری به الگوها
۷۹ فصل چهارم: راهکارهای مقابله با آفت های الگوها
۷۹ اشاره
۷۹ ۱. راهکار بلندمدت
۸۱ ۲. راهکارهای کوتاه مدت
۸۱ اشاره

۸۱	الف) نکوداشت الگوهای مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب
۸۷	ب) بهره‌گیری شایسته از عواطف مردم
۹۲	فصل پنجم: همراه با برنامه سازان
۹۲	اشاره
۹۴	پیشنهاد‌های برنامه‌سازی
۹۶	پرسش‌های مردمی
۹۷	پرسش‌های کارشناسی
۹۹	معرفی برخی منابع درباره الگوها
۱۰۰	کتاب نامه
۱۰۰	اشاره
۱۰۰	کتاب
۱۰۶	نشریه
۱۰۹	درباره مرکز

سرشناسه: مهدی زاده، حسین

عنوان و نام پدیدآور: "الگو‌شناسی" / حسین مهدی زاده؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۹۲ ص.

شابک: ۶۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴۰۶۶۱

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی توصیفی

یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۹] - ۹۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های اسلامی.

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۵۲۶۹۵

ص: ۱

دیباچه

الگوپذیری، امری ضروری، بایسته و سودمند است و آدمی نیز به اقتضای طبیعت خود، به دنبال الگویابی است. البته جوانان تحت تأثیر حس کمال جویی، در این زمینه، نیاز بیشتری احساس می کنند. اسوه ها و الگوها چون معیارها و ملاک ها را در اختیار می گذارند، دارای ارزش و اهمیت فوق العاده ای هستند. جایگاه الگوی عملی در مکتب الهی به قدری برجسته است که خداوند در طول تاریخ برای هدایت هر قوم و گروهی، الگویی عملی به عنوان پیامبر و امام به سوی شان فرستاده است تا مردم را هدایت و راهنمایی کنند. گرایش جوانان به سوی الگوهای شایسته، افکارشان را منظم می سازد. در این صورت، با همانندسازی می کوشند تا از خود نیز شخصیتی برتر سازند. هرچند پیروی از این الگوها، توان بالقوه و استعدادها را نهفته جوانان را نیرومند می کند، ولی پیروی از الگوها نیز ویژگی ها و شرایط خاصی دارد. پیروی از الگوهای ناسالم، آسیب های جبران ناپذیری به همراه می آورد. بنابراین، نمی توان درصدد پیروی از نمونه هایی بود که درهای سلامت دنیوی و سعادت اخروی را بر روی آدمی می بندند و او را به گمراهی می کشانند. در میان الگوسازان، نقش مؤثر رسانه بر کسی پوشیده نیست. رسانه برای تحقق اهداف خود در این راستا، به آگاهی از کم و کیف الگویابی، الگوپذیری و فرهنگ سازی در این راستا نیاز دارد. برای تحقق این مهم و با توجه به آگاهی از ضرورت و آثار پیروی از الگوها، پژوهشگر ارجمند حجت الاسلام والمسلمین حسین مهدی زاده، کوشیده

است تا در این نوشتار، مفهوم شناسی، اثرگذاری الگوها، آسیب شناسی تقلید از الگوها و راهکارهای مقابله با آفت های الگوها را بررسی کند. ولی شیرازه کار خود را با بخش همراه با برنامه سازان به پایان رسانده و محصول کار را ره توشه اصحاب رسانه ساخته است. با امید به بهره گیری بهینه از این مجموعه، امید داریم با معرفی در خور توجه الگوهای شایسته و با هدایت و راهنمایی مخاطبان به ویژه جوانان، همکاران ارجمند بتوانند بیش از پیش فرهنگ نبوی را در جامعه اسلامی نهادینه سازند.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ اِذَا رَاہُ کُلَّ شَیْءٍ

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۵

بی‌شک، انسان‌های معمولی و غیر معصوم، در بسیاری از رفتارهای خود، دست‌خوش افراط و تفریط می‌شوند و از مسیر اعتدال خارج می‌گردند. از آنجا که تقلید و پیروی از دیگران یکی از رفتارهای انسانی است، پس طبیعی است که افراط و تفریط در پیروی از الگوها نیز رخ دهد. بنابراین، تقلید می‌تواند دو حد تفریطی و افراطی داشته باشد.

حد تفریط تقلید، تک‌روی و خودپیروی است. تک‌روی به این معنا است که فرد از پذیرش هر نوع الگویی سر باز زند و خود را امام خویش بداند. اگر در تربیت دینی، افراد بخواهند خود، راهبر خویش باشند، قدم در یکی از لغزشگاه‌های تربیت دینی نهاده‌اند. چنین پیش‌آمدی در تربیت غیردینی دور از انتظار نیست. در تربیت غیردینی با تکیه بر مبنای اصالت انسان و انسان محوری (اومانیزم)، استقلال یا خود پیروی را هدف اساسی تربیت در نظر می‌گیرند؛ به این معنا که انسان تنها با تکیه بر عقل خویش، راه خود را هموار می‌سازد. آیا چنین امری در تربیت دینی امکان دارد؟

تحقق این امر در گرو آن است که کسی با پذیرش ضرورت وجود دین برای انسان، الگو و امام را متعلق و محدود به دورانی بداند که انسان‌ها به بلوغ فکری و روحی نرسیده بودند و ناگزیر باید سرمشقی می‌داشتند. اکنون با فرض اینکه چنین بلوغی فراهم آمده است، به چنین سرمشقی نیاز نیست؛ یعنی خود فرد می‌تواند بدون کمک دیگری، آموزه‌های دینی را در زندگی خویش به کار گیرد. هواداران این نظریه از این غافل شده‌اند که معیارها و ملاک‌ها نه تنها جای‌گزین الگوها و اسوه‌ها نیستند، بلکه تربیت شونده در روند تربیت، از الگوها به عنوان تجسم بخش عینی

معیارها اثر می پذیرد. بنابراین، وجود آنها ضروری است.

در مقابل حد تفریطی تک روی، حد افراطی پیروی بی چون و چرا از قهرمان ها و شخصیت ها است که به شخصیت گرایی و قهرمان پرستی می انجامد. پیداست که این حالت نیز یکی از لغزش های مهم تربیت دینی به شمار می رود.^(۱)

حد میانه و اعتدال دو طرف تک روی و شخصیت گرایی، تقلید و الگوپردازی آگاهانه و مطلوب است که به نظر می رسد تبیین نادرست آن به آسیب های گوناگونی از جمله سقوط آدمی در دو ورطه افراط و تفریط می انجامد. باید گفت در زمینه تقلید و الگوپردازی شایسته و آگاهانه، آموزه های اسلامی فراوانی وجود دارد که بیان نشده است. بنابراین، با توجه به اهمیت تقلید و الگوپردازی شایسته، برآنیم تا گوشه هایی از این موضوع را بررسی کنیم.

اصل تقلید و الگوپذیری آگاهانه و مطلوب از اسوه ها، در زندگی همه انسان ها بسیار مهم است. به همین دلیل، در علوم گوناگونی همچون روان شناسی یادگیری، روان شناسی اجتماعی و تعلیم و تربیت درباره آن بحث می شود. الگوپذیری تمام گستره عمر انسان را فرا می گیرد، ولی با این حال، چون دوران جوانی، دوره اصلی شکل گیری شخصیت انسان است، الگوپذیری در این دوره اهمیت بیشتری دارد. بدون تردید، در زمان حاضر، به دلیل هجوم گسترده فرهنگ غرب به جوامع اسلامی و ترویج الگوهای آن در میان جوانان، اهمیت موضوع یاد شده دو چندان می شود.

از منظرهای گوناگونی درباره موضوع تقلید از الگوها می توان سخن گفت. از آنجا که بیشتر جوانان جامعه ما به آموزه های وحیانی اسلام پای بندند و در منابع

ص: ۷

۱- برای آگاهی بیشتر از دو حد افراطی و تفریطی الگوپردازی نک: خسرو باقری، مقاله «آسیب و سلامت در تربیت دینی»، کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی، تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱.

اسلامی نیز آموزه های نورانی بسیاری در زمینه تقلید از الگوها وجود دارد، در این نوشتار می کوشیم این موضوع را با نگاهی به منابع قرآنی و حدیثی و از منظر آموزه های اسلامی بررسی کنیم. البته در موارد لازم، از نظریه های دانشمندان اسلامی، کارشناسان روان شناسی و تعلیم و تربیت نیز بهره گرفته ایم تا با بیان مثال هایی عینی و ارائه پیشنهادهای عملی، این پژوهش جنبه کاربردی به خود بگیرد. (۱)

پرسش اصلی پژوهش این است که آموزه های اسلامی درباره تقلید از الگوها چیست؟

پرسش های فرعی این پژوهش نیز عبارتند از:

۱. مفهوم واژه های الگو و تقلید چیست؟

۲. اهمیت، ضرورت و سودمندی تقلید و الگوپذیری شایسته از اسوه ها در چیست؟

۳. مرز اثرگذاری الگو تا کجاست؟

۴. آفت های تقلید از الگوها کدامند؟

۵. راه کارهای مقابله با آفت های تقلید از الگوها چیست؟

ص: ۸

۱- گفتنی است هنگام نقل گفته های دیگران، برای روان تر شدن جمله ها، در بیشتر موارد، دخل و تصرف های جزئی صورت گرفته است.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. مفهوم شناسی

۲. ضرورت وجود الگوها

۳. شرایط کلی الگوها

۱. مفهوم شناسی

اشاره

۱. مفهوم شناسی

زیر فصل ها

الف) الگو

ب) تقلید

الف) الگو

الف) الگو

منظور از الگو، نمونه عینی و مشهود یک اندیشه و عمل در جنبه های گوناگون است که دیگران برای رسیدن به کمال، از آن پیروی می کنند. ناگفته نماند واژه های امام، اسوه، قدوه، هادی، دلیل، حجت، مدل، نمونه، مثال و سرمشق که در متون اسلامی یا رشته تعلیم و تربیت و روان شناسی به کار می روند، تقریباً به معنای الگو، شبیهند.

ب) تقلید

ب) تقلید

از آنجا که الگو شناسی و الگو گزینی همواره با تقلید همراه است، باید با مفهوم تقلید نیز آشنا شویم. مراد از تقلید، پیروی کردن و همانند سازی با دیگران است. (۱) در برخی کتاب های روان شناسی، (۲) تقلید این گونه تعریف شده است: «تولید

-
- ۱- در متون اسلامی افزون بر واژه تقلید، واژه های «تشبیه» و «مشاکله» نیز به معنای همانند سازی به کار رفته است.
 - ۲- برای آگاهی از دیدگاه های روان شناسان درباره تقلید و همانندسازی نک: الف) آلبرت باندورا، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه: فرهاد ماهر، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۲، چ ۱. ب) اتوکلا-ین برگ، روان شناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۰، چ ۱۰. ج) جی آلن مارلت و مارتا آ.پری، روان شناسی تقلید (روش های الگوگزینی)، ترجمه: سیامک رضامهجور، پروین غیاثی جهرمی، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۰، چ ۱. د) محمود منصور، روان شناسی ژنتیک: تحول روانی از کودکی تا پیری، تهران، نشر ترمه، چ ۶، صص ۱۹۵ - ۲۰۴.

فعال کیفیت و خصوصیات ادراک شده رفتار موجود دیگر» (۱) در متون اسلامی نیز واژه های تبعیت، اقتدا، اطاعت، انقیاد و امثال، بیشتر در معانی نزدیک به معنای تقلید به کار می روند.

به باور گروهی از روان شناسان، تقلید و الگوپذیری به معنای عام دارای سه مرحله است:

یک _ محاکات (تقلید ناآگاهانه که از تولد تا دوسالگی است)

تقلید ناآگاهانه و بدون هرگونه اندیشه و تشخیص را محاکات گویند. برای مثال، وقتی کودک چند ماه اطرافیان خود را خندان ببیند، بدون اینکه خنده آنان را تفسیر کرده باشد، با تقلید ناآگاهانه از آنان می خندد.

دو _ تقلید به معنی خاص (تقلید نیمه آگاهانه که از ۲ تا ۷ سالگی است)

این نوع تقلید، الگوپرداری نیمه آگاهانه از رفتار دیگران است. در این تقلید بچه گانه، عنصر آگاهی و هدف داری وجود دارد، ولی با حضوری کم رنگ و اندک. برای نمونه، کودک سه ساله ای تنها برای شبیه سازی خود با اطرافیان، از رفتار ایشان

ص: ۱۰

۱- محمود منصور، روان شناسی ژنتیک: تحول روانی از کودکی تا پیری، ص ۲۴۹. تقلید در علوم مختلف، معانی متفاوتی دارد. مثلاً تقلید در علم فقه به معنای عمل مستند به فتوای فقیه است. بنابراین، معنای آن غیر از معنای تقلید در علم روان شناسی است. مراد از تقلید در این پژوهش بیشتر همان معنای تقلید در علم روان شناسی است.

تقلید می کند، بدون آنکه قصد و هدف آن رفتار را درک کرده باشد.

سه _ اقتباس (تقلید آگاهانه که از ۷ سالگی به بعد است)

تکرار رفتار دیگری با آگاهی کافی از کار او را اقتباس گویند. این نوع تقلید، عالی ترین مرتبه تقلید است و کاملاً آگاهانه و هدف دار و از روی علم و قصد صورت می گیرد. همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می یابد، برمیگزیند و برای این گزینش، دلیل هم می آورد. (۱) این نوع تقلید که بیشتر به جوانان و بزرگسالان مربوط است، در امور اعتباری و آداب و رسوم و با هدف هم خوانی با محیط و هم رنگ شدن با دیگران رخ می دهد.

«وقتی تقلید، مستقیم صورت می گیرد، باید آن را وسیله نیل به هدفی شمرد و اگر کسی تقلید می کند، برای آن است که به عمل تقلید شده یا دیگری که این عمل را انجام داده است، ارجح می نهد یا عمل تقلید شده را راه حل مسئله ای می پندارد.» (۲)

پس از پایان جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲، تصویری از جوانان یکی از فقیرترین کشورهای جهان؛ یعنی بنگلادش بر صفحه روزنامه ها نقش بست که جلو آرایشگاه محقری صف کشیده بودند تا موهای خود را به سبک رونالدو (۳) اصلاح کنند. درون آرایشگاه هم عکسی از رونالدو دیده می شد. جوانی نیز که به سبک رونالدو، کاکلی جلو سر گذاشته و بقیه مویش را تراشیده بود، با لبخندی غرورآمیز در آرایشگاه حضور داشت. (۴)

ص: ۱۱

۱- همان، صص ۱۹۵ _ ۲۰۴؛ محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان

تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۲، صص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲- اتوکلاين برگ، روان شناسی اجتماعی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳- یکی از معروف ترین ستاره های برزیلی فوتبال.

۴- فرید فدایی، مقاله «روان شناسی فوتبال حرفه ای»، روزنامه کیهان، ۸/۵/۱۳۸۱، ص ۷.

شاهد یاد شده، نمونه روشنی از روحیه قهرمان گرایی انسان ها، به ویژه جوانان است. قهرمان گرایی، یکی از جلوه های روانی است که در سرشت اولیه بشر به ویژه جوانان نهاده شده است. بشر همواره گم شده ای را جست و جو می کند؛ قهرمانی پرشکوه و جلال و پیشوایی در خور ستایش. اصولاً قهرمان جویی را یکی از اعتبارهای اصیل روانی انسان دانسته اند که به طور مستقیم، زاینده نیاز انسان به رهبری است. جوان همواره در پی آفرینش قهرمان است. پس حتی اگر به آن دست نیابد، در عالم رؤیا، چنان قهرمانی را الگوی رفتار خویش قرار می دهد و از اندیشه، رفتار، گفتار و شیوه پوشش وی الهام می گیرد.

به راستی قهرمان کیست؟ قهرمان یا ابرمرد یا شخصیت برتر، فردی است که در به دست آوردن فضایل یا مهارت های گوناگون، گوی سبقت را از دیگران ربوده است. قهرمان در هر فرهنگ و نظام ارزشی، اسطوره عینی و مجسمه آرمان های آن جامعه است. افراد در وجود قهرمانان به دنبال جنبه های انسانی، آرمان ها و اسطوره های خویش هستند و آنها را مدل فرهنگی و الگوی رفتار و منش خود می شمارند. قهرمان یک ملت، ارزش های حاکم بر جامعه اش را در حدّ عالی در خود پرورش داده و به تجسم نظام ارزشی جامعه تبدیل شده است. برای مثال، ابراهیم علیه السلام را قهرمان توحید می دانیم؛ چون ارزش ها و آرمان های همه خداجویان را در رفتار خود تحقق بخشیده بود. (۱) پیداست که پیروی و تقلید مطلوب از قهرمانان باید بر اساس رعایت ملاک ها و وجود برخی شرایط در آنها باشد تا با پیروی از آنها، جوانان در مسیر کمال قرار گیرند. از برخی شرایط، در آینده سخن می گوئیم.

ص: ۱۲

۱- مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۶۵ _ ۶۷.

از نظر تاریخی، گابریل تارد، بیش از دیگر اندیشمندان، مفهوم تقلید را در زمینه روان‌شناسی اجتماعی به کار برده است. به باور وی، «تقلید، یک واقعه اجتماعی اساسی است و قوانینی وجود دارد که طبیعت و اثر تقلید را تشریح و توصیف می‌کنند. تحول اجتماعی نیز از این نظر ممکن است که افراد از آنچه تازه و خیره‌کننده است، تقلید کنند؛ یعنی جامعه بدون تقلید قابل تصور نیست».^(۱)

جامعه بدون تقلید از این نظر قابل تصور نیست که افراد جامعه نیازمندی‌هایی دارند که برای برآوردن بخش زیادی از آنها باید به کارشناسان رشته‌های گوناگون روی آورند. بدیهی است هیچ‌یک از انسان‌ها نمی‌توانند در همه رشته‌ها به تخصص و مهارت دست یابند و از تقلید بی‌نیاز شوند. علامه طباطبایی رحمه الله با توجه به ضرورت و نیاز زندگی اجتماعی به تقلید و پیروی انسان‌های نامتخصص از کارشناسان می‌گوید: «کسی که می‌پندارد در زندگی خود زیر بار تقلید نرفته و نخواهد رفت، با یک پندار دروغین و خنده‌دار، خود را فریب می‌دهد».^(۲)

اکنون پرسش مهم این است که چرا انسان به تقلید و الگوپذیری نیازمند است؟ چرا جوانان بیش از دیگران چنین نیازی را احساس می‌کنند؟ نخستین پاسخی که به نظر می‌رسد، این است که ویژگی کمال‌گرایی آدمی، او را از درون به حرکت وادار می‌دارد تا خود را به کسانی که مظهر کمال اخلاقی هستند، نزدیک و صفات آنها را

ص: ۱۳

۱- روان‌شناسی اجتماعی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲- سید محمدحسین طباطبایی رحمه الله، مقاله «اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه» در کتاب مرجعیت و روحانیت، ص ۲۰. شبیه این تعبیر را علامه در تفسیر المیزان نیز دارد: «استحالی ان یوجد فرد من الانسان من غیر ائباع و من ادعی خلاف ذلک او ظن من نفسه انه غیر مقلد فی حیوته فقد سفه نفسه». المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱۲.

اقتباس کند. از سوی دیگر، زندگی دربردارنده قواعدی است که جوانان می خواهند آنها را بیاموزند و از بهترین رفتارها پیروی کنند تا بتوانند به شخصیت مرد یا زن کامل دست یابند.^(۱)

جوان تحت تأثیر حس کمال جویی که در فطرت و سرشت او نهفته است، به پیروی از انسان هایی راضی می شود که درجه های بیشتری از کمال را پشت سر نهاده و وجود خویش را به فضایل و صفات پسندیده بیشتری آراسته اند. انسان در هر سنی به ویژه جوانی، کمال گرا و ترقی خواه است. بنابراین، به عواملی که سبب رشد و شکوفایی این ویژگی شوند، اهمیت می دهد. از مهم ترین این عوامل، الگوها و قهرمانانی هستند که مراحل از کمال و منزلگاه هایی از جاده رشد را پیموده باشند؛ چون با توجه به همسانی نسبی امکانات و استعدادهای افراد مختلف، انسان می داند که در او نیز امکان دست یابی به آن درجه ها وجود دارد. پس قدم در راه آنها می نهد و به پیش می رود.^(۲)

همان گونه که اگر وسایلی همچون متر، ترازو، عدد، ساعت و دماسنج را از اجتماع انسانی بگیرند، زندگی، دشوار و رنج آور می شود و انسان ها در عادی ترین مسائل زندگی سرگردان خواهند شد. همچنین اگر الگوهای انسانی مناسب برای افراد بشر وجود نداشته باشد، جامعه در ابهام و سرگردانی به سر خواهد برد. در آن صورت، برای سنجش میزان رشد شجاعت، ترس، سخاوت، انصاف، عدالت، علم، فضیلت، تقوا و دیگر صفات عالی و دانی چه باید کرد؟^(۳)

بنابراین، باید الگوهای کامل انسانی وجود داشته باشد تا بتوان بر اساس آنها

ص: ۱۴

۱- محمدرضا شرفی، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۳.

۲- نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۵۹.

۳- همان، ص ۷۳.

درباره رفتار انسان داوری کرد. چنین الگوها و اسوه های انسانی، همچون پیامبران، ائمه و اولیای الهی در طول تاریخ همواره وجود داشته و دارند. اگر انسان خود را با آنها به عنوان افرادی که به معیارهای انسانی آراسته اند، مقایسه کند، به چگونگی کار خود پی خواهد برد.

اسوه ها و الگوها چون معیارها و ملاک ها را در اختیار آدمی می گذارند، ارزش و اهمیت دارند. با این حال، صرف وجود معیارها و ملاک ها، انسان را از وجود اسوه ها و الگوها بی نیاز نمی کند. الگو نسبت به معیار صرف، این برتری را دارد که تحقق معیارها را در موجود انسانی نشان می دهد. بنابراین، اگر کسی معیارها را بشناسد، این امر، او را از مزیت مشاهده تحقق آنها بی نیاز نمی کند. برای مثال، ممکن است کسی معیارهای شعر و شاعری را به خوبی خوانده و دریافته باشد، با این حال، شاگردی کردن در محضر شاعری برجسته و دیدن آن معیارها در کار و کردار وی به ویژه از منظر تعلیم و تربیت، فرصتی است که هرگز نمی توان از آن صرف نظر کرد. بر این اساس، الگوی عملی در جریان تعلیم و تربیت، جایگاهی اساسی و حذف ناشدنی دارد.^(۱)

جایگاه اساسی الگوی عملی در مکتب های الهی که رسالت اصلی آنها تعلیم و تربیت انسان است، به قدری برجسته است که خداوند در طول تاریخ برای هدایت هر قوم و گروهی، الگویی عملی به عنوان پیامبر و امام فرستاده است تا مردم را هدایت و راهنمایی کند.

عملی ترین و پیروزمندانه ترین وسیله تربیت، تربیت کردن با توجه به نمونه ای عملی و زنده است. نوشتن کتابی در موضوع تربیت آسان به نظر می رسد. همچنین

ص: ۱۵

۱- خسرو باقری، آسیب و سلامت در تربیت دینی، کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی، ص ۳۴.

ترسیم یک نقشه خیالی _ اگرچه کامل و همه جانبه باشد _، آسان تر است. با این حال، این نقشه تا هنگامی که به حقیقت واقعی و مصداق عینی تبدیل نشود و بیانگر رفتار و درک بشر نباشد، مرکبی بر کاغذ و نقشه ای معلق در فضا خواهد بود و بس. پروردگار بزرگ طرح و نقشه تربیت الهی را در قرآن بیان کرده است تا بشر آن را به کار بندد و به حقیقت واقعی تبدیل کند. این گونه بود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت تا سرمشقی برای جهانیان باشد. (۱) به گفته قرآن مجید، هر قومی، امام و هدایت گری دارد. (۲) قرآن همچنین دست یابی به مقام امامت و پیشوایی و اسوه شدن را ارزش و آرمان معرفی می کند. خداوند، زبان حال انسان های آرمان خواه را این گونه نقل کرده است:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا. (فرقان: ۷۴)

آنان افرادی هستند که هنگام دعا با خدای خود گویند: پروردگارا، ما را از جفتمان، فرزندانِ مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده.

امام علی علیه السلام، بهترین مفسر قرآن نیز ضرورت وجود امام را چنین بیان می کند:

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ. (۳)

همانا برای هر اقتدا کننده ای، امامی است که به آن اقتدا می کند و از نور دانش وی نورانیت می طلبد.

ص: ۱۶

۱- محمد قطب، روش تربیتی اسلام، ترجمه: سیدمحمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳، چ ۲، ص ۲۴۴.

۲- رعد: ۷: «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» و اسراء: ۷۱: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ».

۳- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، ص ۴۱۷.

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

ای اباحمزه! هر یک از شما اگر بخواهد چند فرسخ روی زمین راه برود، برای خودش، راهنما می خواهد، در حالی که نسبت به راه های ملکوتی آسمان جاهل تر هستی. پس در زمینه هدایت معنوی خود نیز راهنمایی بجوی. (۱)

طبق این روایت، نیازمندی به راهنما و الگو برای هدایت، امری ضروری است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایت دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را الگو و اسوه امت معرفی می کند و به دیگران دستور پیروی از ایشان را می دهد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله حتما برای الگوی تو کافی است. پس از پیامبر پاک تر خود پیروی کن. همانا او الگوی هر فردی است که نیازمند الگو است. (۲)

افزون بر این می فرماید: «وَاقْتَدُوا بِهَيْدَى نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَيْدَى؛ از هدایت پیامبرتان پیروی کنید. به درستی که هدایت او برترین هدایت است». (۳)

امام علی علیه السلام نیز خود جزو نخستین عمل کنندگان به این روایت است:

من بسان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود، به دنبال پیامبر می رفتم. او هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من می آموخت و به من دستور می داد که از آن پیروی کنم. (۴)

اکنون که ائمه معصومین علیهم السلام در میان ما حضور مستقیم ندارند، می توانیم از

ص: ۱۷

۱- کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چ ۴، ج ۱، کتاب الحججه، باب هفتم، ح ۱۰.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۶۰.

۳- همان، ص ۱۶۳.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: محمد عبده، چ ۲، ج ۲، ص ۱۸۲.

لابه لای احادیث و سنت بر جای مانده از ایشان و تاریخ زندگانی آن بزرگان، روش و منش ائمه اطهار علیهم السلام را بشناسیم و از آنها پیروی کنیم. (۱)

به دلیل برخورداری مداوم حضرت علی علیه السلام از تربیت الگویی همچون پیامبر اسلام است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، دوران جوانی امیرمؤمنان، برای بهترین جوان های همه زمان ها، برترین الگو به شمار می رود:

شما امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان یک جوان ۱۶ تا ۱۹ ساله در مکه، یا اوایل ورود به مدینه _ که باز هم این بزرگوار، یک جوان بیست و چند ساله است _ در نظر بگیرید. در دوره های مختلف عمر این بزرگوار نگاه کنید. ببینید این جوان، حقیقتاً بهترین جوان های همه زمان ها و برترین الگوست. از شهوات جوانی، لذات دنیایی، زیبایی هایی که در نظر جوان ها ارزش پیدا می کند، هیچ نمی خواهد مگر آن هدف عالی و والایی که بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر آن هدف است. (۲)

در روایتی از امام باقر علیه السلام، ضرورت وجود الگو در جامعه این گونه بیان شده است:

ای محمد (محمد بن مسلم)! به خدا سوگند، هر فردی از این امت که بدون امام و الگویی از ناحیه خدا _ امام و الگویی که ظاهر و آشکار و عادل باشد _ صبح کند، در حال گمراهی و سرگردانی صبح کرده است و اگر در این حالت بدون امام و الگو بمیرد، در حال کفر و نفاق مرده

ص: ۱۸

۱- محمدتقی مصباح یزدی، نقش تقلید در زندگی انسان، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینیه، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۸۱.

۲- امیرحسین بانکی پور فرد و احمد قماشچی، کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، نشر تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۱۷.

نکته مهم در این روایت، وجود کلمه «ظاهرا» است (۲) که به ضرورت وجود امام و الگویی عملی اشاره دارد که در معرض دید اقتداکنندگان باشد.

اهمیت الگوسازی برای رفتارهای عملی امت تا آنجاست که پس از رحلت پیامبر اسلام، همواره امامان شیعه به این مهم توجه داشته اند. در دوران غیبت امام معصوم علیهم السلام نیز با رجوع دادن مردم به مرجع تقلید در انجام احکام دینی این ساز و کار نهادینه شده است. امام باقر علیه السلام در راستای الگوسازی برای امت اسلامی، خطاب به ابان بن تغلب که در زمینه مسائل فقهی تخصص داشت، می فرماید:

در مسجد مدینه بنشین و درباره مسائل شرعی مردم فتوا بده. من دوست دارم افرادی مثل تو در میان شیعیان من دیده شوند. (۳)

نکته ظریف در این روایت، واژه «یُری» است که به یادگیری غیرمستقیم و مشاهده ای از الگو اشاره دارد.

در روایت دیگری معصوم دستور می دهد که با عمل و رفتار تان الگوی دیگران باشید و آنان را به سوی حق دعوت کنید:

ص: ۱۹

۱- اصول کافی، ج ۱، کتاب الحججه باب فیمن دان الله عزوجل بغیر امام من الله عزوجل، ص ۳۷۵، ح ۲.

۲- در روایت معروف امام موسی کاظم علیه السلام که مخاطب آن هشام بن حکم است، حجت ها و راهنمایان مورد نیاز انسان به دو دسته ظاهری انبیا و ائمه و باطنی (عقل) تقسیم شده اند: «یا هشامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ». (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶) نکته جالب این است که هشام بن حکم در مناظره ای استدلالی با یکی از مخالفان امامت، از طریق وجود عقل و قلب به عنوان امام باطنی و درونی، بر ضرورت وجود امام ظاهری و بیرونی احتجاج کرده است. (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۰).

۳- ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، الفهرست، قم، منشورات الشریف الرضی، ص ۱۷.

مردم را با غیر زبان هایتان (با عمل) به سوی کار خیر فراخوانید. پس باید دیگران ببینند که شما در انجام دادن کارهای خوب، راست گویی و پرهیزکاری کوشا هستید. (۱)

«در این روایت، دو روش تربیتی زبانی و روش تربیتی عملی و الگویی، طرح و روش تربیتی زبانی مستقیم، نامطلوب و روش تربیتی الگویی غیرمستقیم، مطلوب و کارآمد معرفی شده است. علت ناکارآمدی روش تربیتی زبانی مستقیم این است که چون معمولاً اغلب مربیان اعم از والدین و معلمان با روش صحیح پند و موعظه آشنا نیستند، شخصیت نوجوان و جوان را نادیده می گیرند. در نتیجه، جوان احساس حقارت و کوچکی می کند. برخی مربیان بدون اینکه توجه داشته باشند، هنگام راهنمایی و ارشاد، آنها را توبیخ و ملامت می کنند. بدیهی است ملامت و توبیخ، بر میزان لجاجت و انحراف آنان خواهد افزود؛ زیرا لازمه طبیعی ملامت ها و سرزنش ها، توسعه ویرانگری، طغیان و عصیان است. این ویرانگری شخصیت در روش تربیتی زبانی، وقتی گسترده تر خواهد بود که ارشاد در حضور دیگران و در میان جمع صورت گیرد. با توجه به همین نکته، در برخی روایت ها، نصیحت در حضور دیگران و به طور آشکار، سبب کوبندگی نصیحت شونده دانسته شده است.» (۲)

در مقابل، در روش تربیتی عملی و الگویی، نه تنها شخصیت نوجوان و جوان نادیده گرفته نمی شود، بلکه شخصیت وی حفظ می شود. افزون بر این، روایت یاد شده، تبلیغ عملی و مشاهده ای را از دعوت و تبلیغ زبانی، مؤثرتر می داند؛ زیرا در تبلیغ عملی، مخاطب با دیدن کار نیک، ناخودآگاه به سوی آن جذب می شود. در

ص: ۲۰۰

-
- ۱- اصول کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر باب الصدق و الامانه، ص ۱۰۵، ح ۱۰.
 - ۲- سیداصغر ناظم زاده قمی، جلوه های حکمت گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۵۷۸؛ مجید رشیدپور، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش ها)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲، چ ۲، صص ۵۴ و ۵۵.

روش تبلیغی زبانی و قولی، مربی، خود را به تربیت شونده نزدیک می کند، ولی در روش تربیت الگویی و عملی، تربیت شونده (متأسی)، ناخودآگاه، خود را به مربی (اسوه) نزدیک می کند.^(۱)

بنابر آنچه گذشت، می توان گفت اصل امامت در شیعه بر اساس یادگیری مشاهده ای از الگوی رفتاری شکل گرفته است. بنابراین، امام به معنای پیشوا، کسی است که پیشاپیش امت حرکت می کند. به گونه ای که امت، وی را می بینند و برای الگوگیری از ارزش های عینی تجلی یافته در وی تلاش می کنند.

برخی امتیازهای روش یادگیری از الگوهای عملی مشهود بدین شرح است:

۱. برخلاف آموزش نظری، یادگیری از طریق الگوی عملی بسیار سریع صورت می گیرد.

۲. برخلاف آموزش نظری مرسوم که تربیت شونده به صورت مستقیم مورد خطاب و آموزش قرار می گیرد و گاه سبب وارد آمدن فشار ذهنی و روانی بر وی می شود، آموزش به شکل غیرمستقیم، بدون هیچ گونه فشار ذهنی و روانی رخ می دهد.

۳. یادگیری از طریق الگوی عملی مشهود، یکی از ساده ترین راه های تربیت است.

روان شناسان درباره اهمیت و ویژگی های روش یادگیری مشاهده ای از الگوهای رفتاری، مطالب جالبی دارند. برتراند راسل، در مقاله ای با عنوان «تربیت در جهانی دشوار» چنین گفته است:

تصویب شد در همه دانشگاه ها و مجامعی که جوانان در آن اکثریت دارند، طرح آزادی جوانان عملی شود، به گونه ای که آنها را آزاد بگذارند و مانع تحولات فکری و روحی آنها نشوند. آن گاه پس از ده

ص: ۲۱

۱- مجید رشیدپور، روش های تربیتی، بحث روش الگویی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۱۰۶.

سال، نتایج را با آمارهای دقیق، مطالعه و بررسی کنند. پس از مدت یاد شده، وقتی بررسی صورت گرفت، دیدیم وضع جوان ها به شکل عجیبی درآمده است، بدین معنا که هیچ گونه هماهنگی با هنجارهای قانونی و اجتماعی ندارند. می پنداشتیم اگر آزاد گذاشته شوند، خود، راه کمال و صلاح را پیدا می کنند، ولی چنین نشد. فکر کردیم که چه کنیم؟ آخرین نظر و طرحی که تصویب شد، این بود که بدون اینکه به جوان ها بگوییم می خواهیم آنها را به فرم خاصی درآوریم، زندگی بهترین مدل ها از بزرگان اخلاق، انسانیت و افراد متفکر و دانشمندان باارزش را به صورت فیلم، نمایش تلویزیونی و عکس درآوریم یا شرح حال آنها را در کتاب های جیبی، داستان ها، سخنرانی ها و کلاس ها و مجامع گوناگون بدون هیچ گونه ابراز نظری مطرح کنیم. اعتقاد ما این است که این کار می تواند به آدم درس آدمیت بیاموزد. با این طرح، در عین حال که به جوان چیزی نگفته ایم و او را سرکوب نکرده ایم، نمای یک انسان خوب و مورد علاقه را هم به او نشان داده ایم. اگر نمونه های عالی انسان ها را به جوان نشان دهید، او خود به خود به سمت آنها می رود و خودش را شبیه آنها می سازد. با آنان هم فکر می شود و یکسره خود را در مقابل صفات عالی آنها می بازد. (۱)

بنابراین، روش الگویی و القای پیام به صورت غیرمستقیم از مؤثرترین روش های تربیتی است؛ چون در روش الگویی و غیرمستقیم، مخاطبان فرصت می یابند با انگیزه و تمایل قلبی به موضوع توجه کنند و بدون کمترین فشار ذهنی و

ص: ۲۲

هم چنین پایدارترین و در عین حال، خوشایندترین یادگیری‌ها، یادگیری غیرمستقیم یا مشاهده‌ای است؛ زیرا در این نوع یادگیری، یادگیرنده مطابق رغبت‌ها و انگیزه‌های خود، آگاهانه و بدون هیچ گونه فشار روانی، همه حواس خویش را متوجه رفتار مورد نظر می‌کند و با نوعی احساس خوشایندی و بدون دشواری، بر دانسته‌ها و تجربه‌های شناختی خویش می‌افزاید. بنابراین، اگر اولیا و مربیان بتوانند بسیاری از رفتارهای مطلوب و احساسات خوشایند را به طور غیرمستقیم و با بهره‌گیری از وجود الگوهای رفتاری در کودکان و نوجوانان به وجود آورند، بسیار مؤثر خواهد بود. در یادگیری غیرمستقیم الگویی، چون یادگیرنده، آگاهانه و داوطلبانه، به موضوع یا رفتار ویژه‌ای دقت می‌کند، از نگرش مثبت و انگیزه‌ای نیرومند بهره‌مند است و کمتر دچار فشار ذهنی و خستگی می‌شود. همچنین از دامنه توجه وسیع‌تری بهره‌می‌برد، در حالی که در آموزش‌های مستقیم، همیشه چنین نیست؛ چون ممکن است یادگیرنده نسبت به موضوع یادگیری، رغبت و انگیزه‌ای از خود نشان ندهد و زود خسته شود. (۲)

اثری که در دیدن هست، در شنیدن نیست. درس دیدنی، درسی است جامع، همگانی و متناسب با همه حال‌ها و اندیشه‌ها که آموزش، هرگز جای‌گزین آن نیست. به همین سبب، به ما دستور داده‌اند اهل بیت علیهم‌السلام پیشوایان دین و کمال انسانی را برای مردم بازگو کنیم تا آنها را به تفکر واداریم. (۳)

ص: ۲۳

۱- غلام علی افروز، چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی کاربردی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۱۴۶.

۲- غلام علی افروز، روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، صص ۱۵ و ۱۶.

۳- دین و جوان، ص ۴۳.

بی شک، تقلید و پیروی از الگوهای مطلوب و شایسته، آثار مثبت گوناگونی دارد که برخی از مهم ترین آنها را می توان چنین برشمرد:

۱. الگوهای شایسته، عامل محرک انسان ها به سوی کمال و تعالی هستند.

۲. امکان الگوپذیری دیگران را فراهم می کند.

۳. در زمینه های گوناگون، انجام کارهای سخت در زمینه های متفاوت را تسهیل می کند.

۴. عامل پیش گیری از انحراف هستند.

۵. وجود الگوهای شایسته در مکتب و نظام فکری اسلام، دلیل حَقانیت آموزه های آن مکتب است که پای بندی به آموزه های آن را اعلام می دارد.^(۱)

افزون بر آثار کلی یاد شده، الگوهای شایسته، آثار مثبت فراوانی برای جوانان دارند، مانند اینکه:

۱. گرایش جوانان به الگوهای برجسته، افکار آنان را منظم می کند و به آنها تمرکز می بخشد. بدین گونه می توانند به خوبی بر بحران هویت که ویژگی مهم دوران جوانی است، چیره شوند؛ زیرا هم گرایی فکری زمانی پدید می آید که آدمی در پی همانند سازی با شخصیتی برتر از خود بر آید.

۲. الگوگرایی، نسل جوان را به تعالی روح و همت والا فرا می خواند. آشنایی با چنین الگوهایی، جوانان را به نوعی تحسین وامی دارد. پس برای دست یابی به منزلت رفیع الگوها، از هدف های محدود و زندگی روزانه فراتر می روند و به سوی نوعی حیات معقول و معنوی راه می سپرند.

۳. شناخت الگوهای شایسته، سبب به کار افتادن استعدادهای راکد و ظرفیت های پراکنده جوانان می شود. حالت جذب و انجذابی که در پرتو تماس و

ص: ۲۴

آشنایی با الگوها به جوانان دست می دهد، چنان نیرومند است که توانایی به جریان انداختن نیروهای نهفته جوان را دارد. (۱)

۳. شرایط کلی الگوها

۳. شرایط کلی الگوها

حال که دانستیم تقلید و الگوپذیری، امری ضروری، مهم و سودمند است، پرسش این است که شرایط و ویژگی های یک الگوی شایسته و مطلوب چیست؟

از نظر آموزه های اسلامی، تقلید و پیروی از الگوها، شرایط ویژه ای دارد، مثل اینکه الگو باید صالح و رشید باشد. بنابراین، افراد رشد نیافته و فاسد شایستگی ندارند الگو شوند.

آیه های گوناگونی در قرآن به این مطلب اشاره دارند، از جمله:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ. (هود: ۹۷)

موسی را با آیات و حجت روشن برای رسالت به سوی فرعون و اشراف قومش فرستادیم (و مردم، موسی را گذاشتند و) پیرو امر فرعون شدند. (با آنکه می دانستند) هیچ هدایت و رشدی در امر فرعون نخواهد بود.

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ. (انعام: ۹۰)

آنها (پیامبران) کسانی بودند که خدا آنان را هدایت کرد. تو (ای پیامبر) نیز به هدایت آنان اقتدا کن.

وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ. (اعراف: ۱۴۲)

ص: ۲۵

۱- جوان و نیروی چهارم زندگی، ص ۲۵؛ اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، صص ۳۵ _ ۴۸.

موسی به برادر خود، هارون گفت: تو (پیشوای قوم و) جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش.

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا. (انسان: ۲۴)

بر اطاعت حکم پروردگار شکیبا باش و از مردم بدکار کافر کیش هرگز اطاعت مکن.

وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا. (کهف: ۲۸)

و از آنان که ما آنها را از یاد خود غافل کرده ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبه کاری پرداختند، پیروی نکن.

همان گونه که از این آیه ها برمی آید، برای الگوهای دینی که با سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه ارتباط دارند، شرایط گوناگونی آورده شده است. (۱) افزون بر این، برای مثال، درباره مرجعیت دینی در روایتی نقل شده است:

بر عوام و انسان های نامتخصص در مسائل دینی واجب است از هر یک از مجتهدانی که نگه دار نفس خود و حافظ دین خود و مخالفت کننده با هوای نفس خود و اطاعت کننده امر مولای خویش است، تقلید کنند و این گونه افراد، همه فقیهان نیستند، بلکه بعضی از آنها هستند. (۲)

در روایت یاد شده، صلاحیت های علمی و اخلاقی (۳) و به تعبیر امروزی، دو شرط کلی «تخصص» و «تعهد» برای افراد شایسته تقلید و الگوپذیری بیان شده

ص: ۲۶

۱- برای آگاهی از این اوصاف و شرایط متعدد نک: محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، بخش دهم مبحث اوصاف رهبر شایسته.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ص ۴۵۸.

۳- برای آگاهی از صلاحیت ها و شرایط علمی و اخلاقی مرجع تقلید دینی نک: علی اکبر ذاکری، مقاله «اعلمیّت و مرجعیت»؛ حسین شرفی، مقاله «مرجعیت و شایستگی های اخلاقی»، مجله حوزه، شماره ۵۶ و ۵۷ ویژه مرجعیت.

است.

علامه طباطبایی رحمه الله درباره شرایط و ویژگی های کلی یک فرد مناسب برای الگوی تقلید می گوید:

قضاوت عمومی و فطرت به جواز تقلید یا لزوم آن در جایی است که انسان جاهل است و توانایی اعمال نظر و بررسی فکری مسئله را ندارد. او باید مرجع تقلید و پیشوای مفروض مرجع صلاحیت دار باشد؛ یعنی در مسئله مفروضه، صاحب نظر و قابل اعتماد و وثوق بوده باشد. در غیر این صورت، تقلید، قابل ذم و نکوهش است. (۱)

روان شناسان نیز معتقدند دو عنصر اصلی ارزیابی پیام گیر از پیام دهنده عبارتند از: اعتبار و جذابیت. اعتبار؛ یعنی درجه پذیرفته شدن پیام دهنده که به میزان تخصص وی در موضوع مورد بحث بستگی دارد. همچنین قابل اعتماد و بی غرض بودن او نیز مهم است. سیاستمداران و کارگزاران تبلیغ و آگهی، دست کم به همان اندازه که برای تبلیغ مطلب مورد نظر می کوشند، برای اعتمادسازی نیز تلاش می کنند. جذابیت نیز؛ یعنی اینکه پیام گیر تا چه اندازه از پیام دهنده خوشش می آید.

البته اعتبار و جذابیت تا حدودی با هم تفاوت دارند. اعتبار سبب تغییر نگرش می شود، به دلیل این که مردم، استدلال های یک منبع معتبر را از استدلال های یک منبع نامعتبر جدی تر می پندارند، ولی جذابیت، ظاهراً از طریق مکانیسم همانندسازی عمل می کند. مردم می کوشند همانند یا شبیه کسانی شوند که به آنها علاقه مندند و این به اقتباس از باورها و نگرش های فرد مورد علاقه می انجامد. (۲)

بنابراین، هر قدر الگوها مطلوب تر و محبوب تر و جذاب تر باشند، میزان

ص: ۲۷

۱- سید محمدحسین طباطبایی رحمه الله، مقاله «اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه»، برگرفته از: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ص ۲۰.

۲- اتکینسون و دیگران، زمینه روان شناسی، ج ۲، صص ۴۰۷ و ۴۰۸.

اثرپذیری بیشتر و پایدارتر می شود. مثلاً بچه ها، رفتار الگوهای مطلوب شان را بسیار دوست دارند و مایلند که با آنان همانند سازی کنند و رفتاری همسان رفتار الگوهای خود داشته باشند. برای نمونه، وقتی نوجوانان، الگوهای خویش را در شرایط و موقعیت های گوناگون در حال نماز خواندن می بینند، احساس خوشایندی سراسر وجودشان را فرامی گیرد و نسبت به رفتار آنها کنجکاو می شوند و با توجه به اینکه انسان فطرتی مستعد و نیازمند نیایش دارد، آنان نیز با شور و شوق و احساسی زیبا و توصیف ناپذیر، به نماز می ایستند.

دیدن رفتار آموزگاران و دبیران محبوبی که بی هیچ شایبه ای، نماز را در مدرسه اقامه می کنند یا دیگر الگوهای رفتاری موفق و برجسته اجتماعی همچون: استادان دانشگاه، پزشکان، مهندسان، دانشجویان، خلبانان، ورزشکاران، شاعران، نویسندگان و هنرمندان که در مسجد، خانه، دانشگاه، بیمارستان و میدان های ورزشی به نماز می ایستند، حس کنجکاوی و همانندسازی نوجوانان را برمی انگیزد. بدین ترتیب، در آنان احساس خوشایندی نسبت به نماز به وجود می آید یا تقویت می شود. (۱)

درباره تأثیر نقش الگوی مطلوب و محبوب در شکل گیری شخصیت انسان، سخن فراوان گفته شده است. بیان خاطره یکی از عارفان بزرگ می تواند شاهد نیکویی برای اثبات این مدعا باشد. روزی از سهل شوشتری که از عارفان بزرگ و اهل کرامت بود، پرسیدند: چگونه به این مقام و مرتبه رسیدی؟ پاسخ داد: در کودکی نزد دایی ام زندگی می کردم. برخی شب ها برای رفع حاجت از رختخواب برمی خاستم. وقتی برمی گشتم دایی ام را می دیدم که رو به قبله نشسته، عبایی به دوش کشیده و عمامه ای بر سر گذاشته و مشغول نماز خواندن است. از حالت او

ص: ۲۸

خوشم می آمد. شبی کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن گاه با خوش رویی و تبسم از من پرسید: پسر، چرا نشسته ای؟ برو بخواب. گفتم: از کار شما خوشم آمده است و می خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه، برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. دیدم باز هم دایی، مشغول نماز خواندن بود. کنارش نشستم. او با مهربانی و گشاده رویی به من گفت: برو بخواب. گفتم: دوست دارم هر چه شما می گوید، من هم تکرار کنم.

دایی ام مرا رو به قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو «یا حاضر، یا ناظر». من هم تکرار کردم. سپس دایی با صمیمیت به من گفت: برای امشب کافی است. حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت «یا حاضر و یا ناظر» را چند بار تکرار می کردم. کم کم، وضو گرفتن را هم آموختم. سپس کار به جایی رسید که من بدون اینکه نزد دایی بروم، خودم پیش از اذان صبح بیدار می شدم. پس از نماز، تسبیح به دست می گرفتم و پیوسته تکرار می کردم «یا حاضر و یا ناظر» و از این کار حظ روحانی می بردم تا اینکه به این مقام و مرتبه رسیدم. (۱)

درباره خاطره یاد شده لازم است به چند نکته بسیار ظریف و مهم اشاره کنیم:

۱. کودک به الگوی رفتاری خود (دایی) به سبب رفتار عاطفی متقابلی که با او داشته، علاقه مند شده و شخصیت دایی برایش بسیار مطلوب و محبوب بوده است.

۲. کودک به دلیل علاقه مندی به الگوی محبوب و شخصیت مطلوب، نسبت به رفتار او (نماز در نیمه شب) بسیار کنجکاو می شود. ممکن است کودک و نوجوان برخی احکام نماز را بدانند، ولی در عمل مشکل داشته باشد. مثلاً تربیت شونده، توصیفی از نماز را شنیده و حمد و سوره و دیگر ذکرها و ارکان نماز را آموخته است، ولی در عمل نمی تواند نماز بخواند. الگو می تواند راهکارهای عملی را به

ص: ۲۹

۳. کودک می‌کوشد با اشتیاق فراوان همانند سازی کند و رفتاری از خود نشان دهد که مانند رفتار الگوی محبوبش (دایی) باشد.

۴. علاقه و شوقی که وجود کودک را فرا گرفته و اخلاصی که در او هست، سبب می‌شود احساس خوشایندی نسبت به نماز در وجود او پرورش یابد و اقامه نماز برایش لذت بخش شود.

۵. شواهد زیر نیز نشان دهنده این نکته است که الگو و مربی وارسته (دایی) در خوشایند جلوه دادن چنین تجربه نیکویی نقش مهمی داشته و دارد:

الف) مربی (دایی) همواره با چهره‌ای گشاده با کودک روبه‌رو شده است. زمانی که در نیمه شب، کودک بر حسب اتفاق، دایی خود را در حالت نماز و نیایش می‌بیند، او را با سیمای متبسم و مهربان می‌یابد.

ب) وقتی الگوی محبوب کودک، دیگر بار بر اثر اصرار کودک برای همراهی و همگامی، با او روبه‌رو می‌شود، برای او تجربه‌ای بسیار خوشایند فراهم می‌آورد.

ج) مربی برای اولین نماز کودک، آن هم در نیمه شب، برنامه‌ای بسیار آسان، کوتاه، دوست‌داشتنی و لذت‌بخش فراهم می‌کند. مربی بزرگوار با علم به اینکه دوره کودکی، دوره بازی، آقایی و مهرطلبی است و طولانی شدن نماز ممکن است از خوشایندی آن برای کودک بکاهد، به کوتاه‌ترین زمان و کمترین و در عین حال عمیق‌ترین بیان: «یا حاضر و یا ناظر» بسنده می‌کند. کودک نیز با احساسی زیبا و لطیف و آرزوی تکرار دوباره چنین تجربه خوشایندی، از اقامه نماز در کنار الگوی محبوب، به خواب می‌رود، در حالی که رفتار تشویق‌آمیز و تأییدگرانه دایی و مربی بزرگ خود را به همراه دارد. (۱)

با توجه به خاطره ذکر شده نتیجه می‌گیریم که روش الگویی، بهترین، مؤثرترین و طبیعی‌ترین وسیله برای انتقال ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در خانواده است که در آن، فرزندان در مسیر طبیعی زندگی، به راحتی این ارزش‌ها را فرا می‌گیرند و با آنها خو می‌گیرند. مشکلات روش‌های تربیتی مستقیم، مانند ایجاد حساسیت منفی و مقاومت در این روش نیز هرگز به وجود نمی‌آید. افزون بر این، وقتی فرزندان، ارزش‌های انسانی و اخلاقی را در رفتار و زندگی والدین و مربیان خود مجسم می‌بینند، با شکوه، زیبایی و جاذبه این ارزش‌ها در عمل آشنا می‌شوند. این وضعیت، بهترین انگیزه را در آنها برای دست‌یابی به این ارزش‌ها به وجود می‌آورد و نوجوانان به طور فطری به سوی ارزش‌های انسانی و اخلاقی کشیده می‌شوند. پس در صورتی که شرایط فراهم باشد، این ارزش‌ها به راحتی در درون آنان شکوفا می‌شود. (۱)

با توجه به آگاهی از ضرورت و آثار پیروی از الگوها، باید یادآوری کرد اگر به شرایط لازم درباره الگوها توجه نشود و الگو، شایسته و مطلوب نباشد، تقلید از الگوها زیان‌بار خواهد شد. (۲)

ص: ۳۱

-
- ۱- محمدعلی سادات، راهنمایی پدران و مادران، شیوه‌های برخورد با نوجوانان، ج ۱، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.
 - ۲- باوجود اهمیت آسیب‌شناسی روش تربیتی الگوپردازی و الگوسازی، پژوهش‌چندانی در این زمینه انجام نشده است. در کتاب ششم تربیت اسلامی، مقاله مختصری با عنوان «آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی» به چاپ رسیده است.

فصل دوم: اثر گذاری الگوها

زیر فصل ها

۱. چگونگی اثر پذیری از الگوها

۲. شرایط اثر گذاری الگوها

۳. گستره اثر گذاری الگوها

۱. چگونگی اثر پذیری از الگوها

۱. چگونگی اثر پذیری از الگوها

در تحلیل چگونگی اثر پذیری انسان از الگوها می توان گفت انسان به دلیل فطرت کمال خواهی، اهداف و آرزوهای دارد. زمانی که با الگویی روبه رو می شود و کمال مطلوب خویش را در او می یابد، از نظر عاطفی نوعی نزدیکی و هماهنگی میان خود و الگو می بیند. از سوی دیگر، احساس نیاز به آن کمالی که در الگو هست، سراسر وجود الگوپذیر را فرا می گیرد.

هماهنگی عاطفی با الگو و احساس نیاز به او سبب می شود که الگوپذیر در پی تقلید از الگو باشد. در چنین موقعیتی، به سبب اثر پذیری انسان از محیط پیرامونش، با بهره گیری از میل به تقلید، تحت تأثیر الگو قرار می گیرد و می کوشد رفتار خود را با الگو همانند سازد. الگوپذیر، الگو را مصداق خارجی و عینی اهداف و آرزوهای خویش می بیند و آرزوهای خود را نیز قابل تحقق می یابد. از این رو، به دنبال الگو می رود تا با بهره گیری از او بتواند اهداف و آرزوهای خود را تحقق بخشد و در نتیجه، به کمال مطلوب دست یابد.

در روند اثر گذاری الگو، دست کم دو شرط لازم است: شرط اول اینکه الگو از

نظر تربیت شونده، ویژگی کمالی داشته باشد. شرط دوم اینکه تربیت شونده از نظر وضعیت نفسانی، برای پذیرش آن ویژگی، آمادگی روحی و روانی داشته باشد. با وجود این شرط، چنانچه هر الگویی، هر چند الگوهای نامناسب به الگوپذیر معرفی شود، او پیروی می کند. به همین دلیل، لازم است الگوهای صادق و صالح به او معرفی شوند تا الگوپذیر بتواند با پیروی از الگوی صالح به شایستگی و صلاحیت مطلوب خود دست یابد؛ چون اگر الگوی معرفی شده صالح نباشد، چگونه می تواند الگوپذیر را به شایستگی و صلاحیت دلخواه برساند. این واقعیت در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین نقل شده است: «کسی که خود را اصلاح نکرده است، چگونه می تواند دیگران را اصلاح کند؟»^(۱) شاعر نیز می گوید:

ذات نیافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش؟

برخی از الگوها کمال های گوناگون دارند. طبیعی است این گونه الگوها جاذبه و اثرگذاری بیشتری برای جوانان دارند. در این صورت الگوپذیر می تواند، بلکه باید از چنین الگوهایی پیروی کند. مصداق اصلی این الگوها اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام هستند که امام علی علیه السلام در روایتی، مؤمنان را به پیروی از آنها سفارش می کند:

به خاندان پیامبرتان بنگرید و به آن سو که می روند، بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می شوید و از آنان پس نمانید که تباه می گردید.^(۲)

ص: ۳۴

۱- غررالحکم و دررالکلم، چاپ دارالکتاب، ج ۲، ص ۵۵۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۷؛ محمدرضا قائمی مقدم، مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شماره ۶۹، ص ۲۸.

۲. شرایط اثرگذاری الگوها

تردید نیست که کارآمد بودن روش های تربیتی به این بستگی دارد که مربی از شرایط اثرگذاری و کارآمدی روش های تربیتی، آگاهی داشته باشد. در غیر این صورت، نه تنها مربی در کار تربیتی خود توفیقی نخواهد داشت، بلکه نتیجه معکوس نیز خواهد گرفت. امام صادق علیه السلام در روایتی چنین می فرماید:

کسی که بدون شناخت دقیق از کاری، آن را انجام دهد، مانند کسی است که مسیر انحرافی را می پیماید و این پیمودن مسیر انحرافی با سرعت، باعث دورتر شدن او از هدف می شود. (۱)

در روایت دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ. (۲)

هر که بدون آگاهی، کاری انجام دهد، خراب کاری او بیش از اصلاحش خواهد بود.

بنابراین، هر فردی که می خواهد کاری را انجام دهد، افزون بر کاردان بودن، باید از شرایط انجام صحیح کار آگاه باشد. مثلاً یک مربی در صورتی در کار پرورشی خود موفق است که با فنون تعلیم و تربیت و ویژگی های افراد آشنایی کامل داشته باشد. در واقع می توان گفت شناخت مربی از ویژگی های تربیت شونده و آشنایی با فنون تعلیم و تربیت، شرطی عمومی است که برای به کارگیری صحیح همه روش های تربیتی، ضروری به نظر می رسد.

افزون بر شرط عمومی یادشده، هر یک از روش های تربیتی، ممکن است شرایط

ص: ۳۵

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳، باب من عمل بغير علم، ح ۱.

۲- همان، ص ۴۴، باب من عمل بغير علم، ح ۳.

ویژه ای داشته باشند که اکنون به مهم ترین شرایط اثرپذیری و تقلید از الگوها می پردازیم:

الف) ضرورت آمیختگی تقلید با منطق و پرهیز از مقلدپروری بدون استدلال

الف) ضرورت آمیختگی تقلید با منطق و پرهیز از مقلدپروری بدون استدلال

چون در روش تربیتی الگویی، نوعی پیروی از دیگران وجود دارد، ممکن است رفته رفته، زمینه برای پیروی کورکورانه و به دور از هرگونه استدلال در تربیت شونده فراهم شود. بدیهی است نتیجه این اطاعت کورکورانه، پرورش افرادی وابسته و بی اراده خواهد بود.

قرآن کریم، تقلید کورکورانه از پدران و بزرگان را برنمی تابد و این گونه تقلید جاهلانه را نکوهیده است:

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَحَدِّثْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهِ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتِدُونَ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَحَدِّثْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهِ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِآهْدَىٰ مِمَّا وَحَدِّثْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ. (زخرف: ۲۲ - ۲۴)

بلکه گفتند ما پدران را به آیینی یافتیم و البته ما هم در پی آنها بر هدایت هستیم. و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما، پدران خود را بر آیین و عقاید یافتیم و از آنها پیروی خواهیم کرد. آن رسول ما به آنان گفت: اگر شما را به آیینی بهتر از دین باطل پدرانتان هدایت کنم، باز هم از پدرانتان تقلید می کنید؟ آنها پاسخ دادند: ما به آنچه شما به رسالت آورده اید، باز کافریم.

در مقابل این دسته آیه ها، آیه هایی وجود دارد که انسان ها را تشویق می کند در رویارویی با الگوها، از چگونگی هدایت و رشد آنها پیروی کنند، نه از خود آنها. در

سوره انعام، پس از بیان مطالبی درباره پیامبران پیشین، خداوند خطاب به پیامبر اسلام چنین می فرماید:

آن پیامبران کسانی بودند که خداوند آنها را هدایت کرد (پس می توانند جنبه الگویی داشته باشند) و ای پیامبر، تو نیز به هدایت آنان اقتدا کن (نه به خود آنها). (انعام: ۴۹)

در روش تربیتی الگویی، مربی باید فرد را به گونه ای تربیت کند تا به همراه ایجاد روحیه اطاعت پذیری آگاهانه، روحیه انتقاد و پرسش گری نیز در او تقویت شود. به این ترتیب، تربیت شونده با آگاهی و منطق، الگوبرداری می کند و مصداق این آیه شریفه خواهد شد:

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ. (زمر: ۱۸)

کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند، کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و آنها خردمنداند.

ب) نزدیکی و هماهنگی میان الگو و الگوپذیر

ب) نزدیکی و هماهنگی میان الگو و الگوپذیر

نزدیکی و هماهنگی بین الگو و الگوپذیر، فرآیند الگوبرداری و همانندسازی را سرعت می بخشد. همچنین انگیزه تربیت شونده را در الگو برداری افزایش می دهد و اعتماد به نفس را در او تقویت می کند. بنابراین، هرچه فاصله میان الگو و الگوپذیر نزدیک تر باشد، انگیزه و علاقه بیشتری برای پیروی و همانندسازی در الگوپذیر به وجود می آید. کم بودن فاصله میان الگو و الگوپذیر و نزدیک و هماهنگ بودن آنها در جهت های گوناگون، سبب می شود الگوپذیر، الگو را از خود بداند و نوعی ارتباط عاطفی نسبت به او پیدا کند. برای نمونه، اگر اسوه هایی از زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام در خردسالی، برای کودکان و به همین ترتیب، از دوران جوانی ائمه برای جوانان معرفی شود، نتیجه الگوگیری، بسیار مفیدتر و کارآمدتر خواهد بود.

قرآن کریم از این مطلب غافل نیست و به آن توجه کرده است. خداوند در

نخستین گام برای هدایت انسان‌ها، پیامبرانی از جنس خود بشر فرستاده است.

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ. (کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶)

(ای پیامبر) بگو همانا من بشری مثل شما هستم که به من وحی می‌شود.

خداوند، پیامبران را الگوهایی از جنس خود بشر قرار داد تا بشر با الگوهای تربیتی خود احساس بیگانگی نکند. همچنین خداوند با این کار می‌خواست به ما انسان‌ها بفهماند که شما نیز مانند این پیامبران هستید و با تلاش و پیروی از این الگوها می‌توانید از کمال این پیامبران بهره‌مند شوید.

ج) گونه‌گونی الگوها

ج) گونه‌گونی الگوها

کمال و خصلت‌های نیکو، گوناگون است و هر الگویی نیز در جهتی خاص، قابلیت الگودهی دارد. بنابراین، لازم است بر اساس اختلاف نیازهای الگوپذیران، الگوهای گوناگون و کاملی معرفی شود معمولاً الگوها هم به سبب بهره‌مندی از کمال‌های خاص، در همان جهت خاص، دارای قدرت اثرگذاری بیشتری هستند. به همین دلیل، الگوهایی که قرآن کریم معرفی کرده است، معمولاً بسیار گوناگون هستند (۱) که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. حضرت یوسف؛ الگوی مقاومت در مقابل دیو شهوت. (۲)

۲. جوانان اصحاب کهف؛ اسوه‌های مهاجرت در راه خدا برای دست‌یابی به رشد و تربیت. (۳)

۳. داوود جوان؛ اسوه شجاعت و مبارزه با طاغوت. (۴)

ص: ۳۸

۱- نک: رضا رستمی زاده، مقاله «الگوهای تربیتی در قرآن»، مجله معرفت، شماره ۶۹، ص ۱۲.

۲- یوسف: ۲۱ _ ۵۶.

۳- کهف: ۹ _ ۲۶.

۴- سبأ: ۴ _ ۱۳؛ انبیا: ۷۸ _ ۸۰؛ ص: ۱۷ _ ۲۶؛ بقره: ۲۵۱.

۴. حضرت اسماعیل؛ الگوی تسلیم در مقابل فرمان خدا. (۱)

۵. حضرت ابراهیم؛ الگوی فطرت جویی، عادت گریزی و بت شکنی. (۲)

۶. حضرت نوح؛ الگوی پایداری و استقامت در تبلیغ دین. (۳)

۷. حضرت ایوب؛ الگوی بردباری در سختی های روزگار. (۴)

۸. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ الگوی کامل مکارم اخلاقی. (۵)

(د) استمرار معرفی الگو

(د) استمرار معرفی الگو

انسان همواره دچار فراموشی می شود و همین ویژگی انسان، مسیر تکاملی وی را منحرف می سازد. برای پیش گیری از آثار مخرب این ویژگی، یکی از شرایط مفید و کارآمد بودن روش تربیت الگویی، استمرار معرفی الگو است. معرفی پی در پی الگو تا حد زیادی می تواند از غفلت انسان و در نتیجه، منحرف شدن مسیر تکاملی او جلوگیری کند.

برای رسیدن به این مهم، یادآوری و زنده نگه داشتن الگوها با نام گذاری افراد، اماکن و اشیا به نام آنها، برگزاری کنگره ها و بزرگداشت ها، برگزاری مراسم بزرگداشت معصومان و ائمه اطهار علیهم السلام در این راستا، قابل تفسیر است. هر یک از موارد یاد شده که در فاصله های زمانی گوناگون و مکان های متفاوت انجام می شود، مصداق این آیه شریفه است: «وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ؛ (ابراهیم: ۵) پس روزهای خدایی را به یاد ایشان بیاور».

ص: ۳۹

۱- حج: ۲۶، ۴۲، ۴۳، ۵۱ و ۵۸.

۲- همان.

۳- نوح: ۱ - ۲۷.

۴- نساء: ۱۶۳؛ انعام: ۸۴؛ ص: ۴۱ - ۴۶؛ انبیا: ۸۳ - ۸۴.

۵- احزاب: ۲۱؛ قلم: ۴؛ انبیا: ۱۰۷؛ توبه: ۱۲۸.

شرکت در مراسم اسلامی که به منظور بزرگداشت الگوها صورت می گیرد، سبب می شود انسان هر چند برای مدتی کوتاه از غفلت دور شود و با اسوه ها پیوند برقرار کند. این ایجاد پیوند، سبب تذکر وی می شود و مصداق این آیه شریفه قرار می گیرد: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات: ۵۵) پس یادآوری کن. به درستی که یادآوری به مؤمنان نفع می رساند».

ه) هماهنگی میان الگوها

ه) هماهنگی میان الگوها

شرط دیگر کارآمدی و اثرگذاری مثبت الگوها این است که اگر الگوها گوناگون هستند، لازم است که با هم هماهنگ باشند و اگر الگوی یکی است، باید جنبه های گوناگون آن با هم هماهنگ باشند. مثلاً اگر گفتار مربی با رفتار وی هماهنگ باشند و گفته و کار او یکدیگر را تصدیق و تأیید کند، به وحدت رفتار و تثبیت آن در الگوپذیر بسیار کمک می کند و برعکس، هرگونه ناهماهنگی به دوگانگی رفتار در تربیت شونده و ظهور روحیه نفاق در او می انجامد.^(۱)

۳. گستره اثرگذاری الگوها

اشاره

۳. گستره اثرگذاری الگوها

گستره تقلید و اسوه پذیری از الگوها، جنبه های گوناگونی دارد، همچون: تعدد الگوها؛ محیط های تربیتی گوناگون مانند: خانواده، مدرسه، گروه هم سالان، جامعه و رسانه های عمومی مثل: صدا و سیما و مطبوعات. همچنین الگوپذیری دارای حیطه ای گسترده است، به گونه ای که تقریباً همه شئون انسان را دربرمی گیرد؛ چون بخش مهم و زیادی از آنچه انسان در سرتاسر زندگی می آموزد، با تقلید و الگوبرداری به دست می آید. به گفته آلبرت بندورا، یادگیری انسان با مشاهده پی آمدهای رفتار الگو حاصل می شود. از آنجا که انسان همواره در معرض تجربه های گوناگون الگوبرداری قرار می گیرد، می توان نتیجه گرفت که بیشتر اصول

ص: ۴۰

و قواعدی که رفتار انسان را هدایت می کنند، از چیزی شبیه به الگوبرداری انتزاعی به وجود می آیند. (۱)

الگوبرداری و تنظیم رفتار در زندگی بر اساس تجربه ها و مشاهده ها، از خردسالی آغاز می شود و تا پایان عمر ادامه دارد. در کودکی، رفتار و گفتار الگو، تقلید می شود، ولی با افزایش سن و قدرت شناختی الگوپذیر، تقلید، جای خود را به اندیشه و انتخاب می دهد. الگوپذیر در این مرحله با دیدن رفتار الگو، به تجزیه و تحلیل آنها می پردازد و با استنباط شخصی خود از آنها الگوبرداری می کند.

الف) خانواده، اولین و مهم ترین الگوی تربیتی فرزندان

اشاره

الف) خانواده، اولین و مهم ترین الگوی تربیتی فرزندان

انسان، بسیاری از رسوم زندگی و آداب معاشرت، مانند: غذاخوردن، لباس پوشیدن و شیوه سخن گفتن را از پدر و مادر و دیگر هم نشینان فرامی گیرد و به کار می بندد. بنابراین، انسان در همه عمر، کم و بیش از دیگران تقلید می کند. بین یک تا پنج سالگی، تقریباً همه یادگیری های کودک، از راه تقلید است. کودک تا مدتی از مصالح و مفاسد واقعی امور چندان آگاهی ندارد و نمی تواند برای کارهایش، هدف های عاقلانه و درستی تعیین کند. در این مدت، تمام توجهش به پدر و مادر و دیگر هم نشینان است. او کارهای آنان را می بیند و از آنان تقلید می کند. گاهی کودک از تماشای هنرپیشگان سینما و صحنه های قتل، جنایت، دزدی و چاقوکشی که در صحنه سینما یا در صفحه تلویزیون ظاهر می شوند، چنان تحریک می شود که همان رفتار را از خود ظاهر می سازد. شما در مجله ها و روزنامه ها، شرح حال کودکانی را می خوانید که به قتل و جنایت یا دزدی دست زده و تماشای صحنه های پلیسی، قتل

ص: ۴۱

۱- همان، ش ۶۹، ص ۳۳، به نقل از: هر گنهان، بی آر و همکاران، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه: علی اکبر سیف، تهران، نشر دانا، ۱۳۷۴، ص ۴۴۹.

و جنایت در سینماها و تلویزیون را از عوامل محرک خویش معرفی کرده اند. (۱)

بی تردید، والدین و خانواده، نخستین عامل مؤثر در تربیت انسان ها به شمار می روند. هر فردی در نخستین مرحله از مراحل زندگی خود با والدین و خانواده روبه رو است. بسیاری از ویژگی های انسان ها از راه مسائل ژنتیک و ارثی یا از راه مسائل اکتسابی و برنامه تربیتی تحت تأثیر والدین و خانواده شکل می پذیرد.

از مطالعه آثار دانشمندان تربیتی و روان شناسی چنین به دست می آید که خانواده در امر تربیت، نقش بسیار مؤثری دارد. وقتی انسان را تربیت پذیر دانستیم و شکل پذیری او را از عوامل تربیتی پذیرفتیم، چون اولین عامل تربیتی انسان، خانواده است، به شکل طبیعی، حالت ها و برنامه های اعضای خانواده در فرد مؤثر است. (۲) تأثیر خانواده بر کودک، بدون مقدمه، آغاز و با قدرت و فراگیری ویژه ای آشکار می شود و امکان دارد تأثیر آن در سراسر زندگی فرد باقی بماند.

از نظر تاریخی، نظریه پردازان یادگیری اجتماعی یکی از دیدگاه های مهم را در مورد خانواده ارائه داده اند. این نظریه پردازان بر اصول یادگیری تأکید بیشتری دارند و از این دریچه به مفهوم خانواده می نگرند. به همین دلیل، بر میزان اثرگذاری پدر و مادر بر کودک و اثرپذیری کودک از خانواده تأکید می ورزند. در این نگرش، والدین با به کارگیری تشویق و تنبیه و با الگو قرار دادن خود یا تشریح روش خودشان در حال و گذشته، به رفتار فرزندان شکل می دهند. بدون تردید، نگرش والدین بر رفتار آنان با فرزندان تأثیر می گذارد. در شکل گیری نگرش های والدین، عوامل گوناگونی دخالت دارند که یکی از مهم ترین آنها، الگوهای شخصیتی والدین است. پس می توان گفت نگرش والدین نسبت به فرزندان، به مقدار زیادی

ص: ۴۲

۱- ابراهیم امینی، آیین تربیت، صص ۱۶۴ - ۱۶۷.

۲- محمد اسدی گرمارودی، درس هایی از تربیت انسانی، صص ۴۷ - ۵۹.

جنبه تقلیدی در فرزندان خردسال بسیار قوی است و از ماه نهم تولد در طفل ظاهر می شود و در سال های اولیه کودکی به اوج خود می رسد. بعدها به هر میزان که انسان، رشیدتر و از نظر عقلی کامل تر می شود، تقلید در او ضعیف تر و جنبه ابتکاری در او قوی تر خواهد شد. کودک در خانه، ناظری تیزبین، موشکاف و دقیق است که زود عمل می کند و سریع آنچه را آموخته است، پس می دهد. بنابراین، والدین به ویژه از اوایل نه ماهگی کودک باید بیشتر مراقب رفتار خود در حضور کودک باشند. والدین، الگوی کودک در تقلید هستند. به این دلیل، باید بیشتر در کارهای خود دقت کنند. کودک به سبب اعتمادی که به پدر و مادر خود دارد، از کارشان تقلید می کند و رفتار خوب یا بد آنان را می آموزد.

تقلید کردن کودک، قوه تکلم او را رشد می دهد، انجام کارها را برایش آسان می کند و گاهی سبب ابتکار می شود. با این حال، ممکن است زیان هایی مانند بدآموزی نیز داشته باشد؛ چون تقلیدش، کورکورانه و بدون اندیشه است.

برای اینکه از اهمیت نقش والدین و جنبه الگویی آنها در برابر دیدگان فرزندان بیشتر آگاه شویم، نخست باید پرسیم که کودکان از والدین و خانواده خود چه می آموزند؟ پاسخ این است که کودکان و فرزندان، همه چیز را از خانواده خویش می آموزند. از نخستین کلمه تا راه رفتن، آداب معاشرت، آداب غذا خوردن، شیوه لباس پوشیدن، روش برخوردها، سخن راست یا دروغ، انجام وظیفه، مسئولیت پذیری، مهر و صفا، پرخاشگری، محبت، شجاعت، پاک دامنی، عاطفه، تعاون و یاری رساندن به دیگران، حيله و فریب، ستم و تجاوز و... .

چشمان کودک چون دوربین عکاسی است که متوجه رفتار والدین است. هیچ

چیز از نظر او پنهان نمی ماند و او از آنچه در اطرافش می گذرد، عکس برمی دارد و آن را در مخزن ذهنش جای می دهد. پس رفتار و ارتباط خانواده در رفتار کودک مؤثر است. خانواده، چون مدرسه ای آداب آموز است و رفتار والدین سرمشق اوست. (۱)

الگوهای گوناگون زیر برای والدین و خانواده قابل ترسیم است:

الگوی اول: پدر تندخو و مستبد، مادر مهربان و آرام

الگوی اول: پدر تندخو و مستبد، مادر مهربان و آرام

در الگوی اول، پسر ممکن است خود را با پدر انطباق دهد و از روش تحکم آمیز وی تقلید کند. او با خشونت، خواهر و برادر کوچک تر خود را کتک می زند. در برابر مردم نیز از روش های پرخاش جویانه ای استفاده می کند که از پدرش آموخته است. همچنین ممکن است پسر، رفتار مادرش را سرمشق خود قرار دهد و برخی ویژگی های مادرش در وی تقویت شود. در این صورت، از داشتن رفتاری مردانه محروم می ماند و در زندگی اجتماعی و زناشویی با مشکلاتی روبه رو می شود. دختر نیز ممکن است خود را با مادرش منطبق کند و از نظر رفتار مادری مشکلی نداشته باشد، ولی تصویر نادرستی از مردان پیدا می کند و همه مردان را مانند پدر خود می انگارد. به همین دلیل، در زندگی بعدی و در برخورد با مردان مشکلاتی خواهد داشت.

الگوی دوم: پدر مهربان و آرام، مادر تندخو و مستبد

الگوی دوم: پدر مهربان و آرام، مادر تندخو و مستبد

در این الگو، دختر نمی تواند به آسانی، خودش را با مادر انطباق دهد و در ایفای نقش واقعی خود به عنوان یک دختر دچار اشکال می شود. انطباق با مادر و پیروی از رفتار وی سبب می شود که در مناسبات خود با دیگران مستبد باشد و نتواند در روابط اجتماعی موفق شود. پسر به سادگی، رفتار پدر را الگو قرار می دهد، ولی در

ص: ۴۴

اثر نداشتن الگوی مناسب در رفتار مادری، با مشکلاتی در آینده روبه رو می گردد و نمی تواند رفتار مناسبی در برابر جنس مخالف داشته باشد. پسران چنین خانواده ای نسبت به زنان بدبین هستند و همواره آنان را سرزنش می کنند.

الگوی سوم: پدر تندخو و مستبد، مادر تندخو و مستبد

الگوی سوم: پدر تندخو و مستبد، مادر تندخو و مستبد

در این الگو، پسران و دختران، الگوی مناسبی برای رفتار خود ندارند. نوجوان از طرف پدر و مادر مورد بی مهری قرار می گیرد و نمی تواند رفتار مناسبی را فرا گیرد. چه بسا چنین خانواده ای زمینه ساز بزهکاری ها و انحراف های آنان می شود.

الگوی چهارم: پدر مهربان و آرام، مادر مهربان و آرام

الگوی چهارم: پدر مهربان و آرام، مادر مهربان و آرام

این الگو، الگوی مطلوب فرزندان است. در چنین خانواده ای، روابط صمیمی و همراه با احترام و تفاهم حکم فرما است. شاید الگوی چهارم را بتوان «خانواده خویشتن ساز» لقب داد. والدین خویشتن ساز به نوجوان خود کمک می کنند تا خلاق باشد، به روابط شخصی خود اهمیت دهد، از خویشتن آگاه باشد و بر این اساس عمل کند. (۱)

یک خانواده در صورتی می تواند در تربیت فرزندان خود الگویی صحیح و موفق باشد که از شرایط ویژه ای بهره ببرد. مهم ترین شرایط و ویژگی ها عبارتند از:

یک _ الگوی صحیح و موفق خانواده به گونه ای است که فرزند در آن احساس می کند پدر و مادر بیشترین تلاش خود را برای تربیت او و برادران و خواهرانش به کار می برند.

دو _ پدر و مادر باید الگوی عملی همه آن چیزهایی باشند که به فرزندانشان می گویند و از آنان انتظار دارند.

سه _ کودک باید مورد پذیرش و کانون عشق و توجه باشد و خود کودک نیز به

ص: ۴۵

خوبی از این مورد توجه و پذیرش بودن آگاه باشد.

چهار _ فرزند نسبت به پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده احساس تعلق و وابستگی کند و خود را بخش مهمی از شبکه خانواده به شمار آورد.

پنج _ کودک از آزادی متناسب با سن و نیازهای خود در چارچوب ضوابط اخلاقی و تربیتی متعادل بهره مند باشد.

شش _ مسئولیت های متناسب با توانایی و سن به فرزند داده شود.

هفت _ فرزند بتواند آنچه را احساس می کند، بدون ترس و واهمه برای پدر و مادر خود بیان کند.

هشت _ افکارش را بتواند با والدین خود در میان بگذارد و از تجربه تبادل نظر و فکر با والدین خود بهره مند شود.

نه _ متناسب با سن و توان خود در برنامه ریزی های خانواده سهیم باشد و دست کم در پاره ای از تصمیم ها دخالت کند.

ده _ والدین، اشتباه ها و خطاهای فرزندان را بدون تنبیه بدنی و تمسخر، بهبود و اصلاح کنند.

یازده _ پدر و مادر، با رابطه گرم و صمیمانه با یکدیگر، فضای خانه را به گونه ای مطلوب و شایسته کنند که در آن همه افراد همدیگر را دوست بدارند و به یکدیگر کمک کنند.

دوازده _ پدر و مادر با مهربانی و تشویق، زمینه های اعتقادی و رفتارهای مذهبی را در آنان پرورش دهند.

سیزده _ پدر و مادر انتظارهای خود از فرزندانشان را متناسب با سن و توان آنها و آنچه خود به ایشان آموخته اند، تنظیم کنند.

چهارده _ پاره ای از یادگیری ها به دلیل بی تجربگی و ناآگاهی فرزند همیشه با موفقیت همراه نخواهد بود. پس پدر و مادر بکوشند به جای شکست ها و خطاهای

بیشتر، بر موفقیت‌ها و پیشرفت‌های او تکیه کنند. (۱)

ب) تلویزیون، الگوی برجسته یادگیری مشاهده‌ای

ب) تلویزیون، الگوی برجسته یادگیری مشاهده‌ای

افزون بر والدین که بی‌تردید، گستره اثرگذاری آنها بسیار زیاد است، شاید بتوان گفت که تأثیر آموزه‌های برخی رسانه‌های تصویری به ویژه تلویزیون، کمتر از والدین نیست. در دوران حاضر، کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که روزانه دست‌کم ۵ تا ۶ ساعت به تماشای تلویزیون نپردازند. پس بی‌جا نیست اگر تلویزیون را رقیب جدی خانواده از نظر اثرگذاری به شمار آوریم. از آنجا که امروزه تلویزیون در خانواده‌ها حضور فعال دارد و یادگیری افراد خانواده و الگوپذیری آنها بیشتر بر اساس یادگیری مشاهده‌ای است، لازم است درباره نظریه یادگیری مشاهده‌ای و تأثیر تلویزیون در این گونه یادگیری توضیح داده شود.

بندورا به بررسی یادگیری‌های انسان از راه دیدن و تقلید پرداخته است. او این نوع یادگیری را مهم‌ترین عامل رشد و یادگیری به شمار می‌آورد. (۲) وی معتقد است که در یادگیری از راه مشاهده، چهار فرآیند وجود دارد:

یک _ توجه: یادگیرنده یا مشاهده‌کننده به الگو یا سرمشق که معمولاً انسان زنده در حال انجام کار است، توجه می‌کند.

دو _ به یادسپاری: یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده می‌کند، به طور شناختی بازنمایی می‌کند؛ یعنی آن را به حافظه می‌سپارد.

سه _ بازآفرینی حرکتی: اگر یادگیرنده توانایی‌های لازم را داشته باشد، رفتار

ص: ۴۷

۱- سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، صص ۱۷ و ۱۸.

۲- محمدحسین قدیری نوکابادی، مقاله «نقش الگوها در امروزی شدن»، مجله حدیث زندگی، ش ۱۳، مهر و آبان ۱۳۸۲، ص ۳۵، به نقل از: پروین کدیور، روان‌شناسی اخلاق، تهران آگاه، سال ۱۳۷۸، صص ۱۰۲ و ۱۰۸.

مشاهده شده را تولید و اصلاح می کند.

چهار _ انگیزش: در شرایط مناسب، انگیزش و تشویق یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده کرده است، به عملکرد تبدیل می کند. (۱)

در نظریه یادگیری اجتماعی، یادگیری به شرح زیر صورت می گیرد: یادگیرنده (یعنی مشاهده کننده) وقتی می بیند شخصی برای انجام رفتاری، پاداش یا تقویت دریافت می کند، آن رفتار را می آموزد. به این نوع پاداش یا تقویت، «تقویت جانشینی» (۲) می گویند. برای نمونه، وقتی آموزگار، یکی از دانش آموزان کلاس را برای حل کردن مسئله ای از یک راه تازه تقویت می کند، دیگر دانش آموزان، روش این دانش آموز را سرمشق قرار می دهند و می کوشند تا همان راه حل را در مسائل خود به کار بندند.

در یادگیری از راه مشاهده، افزون بر تقویت جانشینی، «تنبيه جانشینی» (۳) هم مؤثر است. برای نمونه، اگر مأمور راهنمایی و رانندگی، راننده ای را به سبب سرعت زیاد در یک خیابان درون شهری، جریمه کند، رانندگان دیگری که شاهد این جریان هستند، هنگام رانندگی در آن خیابان، قانون را رعایت خواهند کرد. بنابراین، اگر رفتار الگو یا شخصی که سرمشق قرار می گیرد، با تقویت یا تنبيه دنبال شود، این تقویت و تنبيه بر رفتار شخصی که آن رفتار را می بیند، تأثیر می گذارد. اگر رفتار سرمشق با تقویت دنبال شود، احتمال انجام آن رفتار از سوی مشاهده کننده افزایش می یابد. اگر رفتار سرمشق با تنبيه روبه رو شود، احتمال انجام آن رفتار از سوی بیننده کاهش می یابد.

آزمایش زیر این مطلب را تأیید می کند:

ص: ۴۸

۱- روان شناسی پرورشی، ص ۲۸۹.

۲- Vicarious reinforcement.

۳- Vicarious panishment.

تعدادی پسر و دختر به طور تصادفی به سه گروه تقسیم شدند. هر سه گروه به تماشای فیلمی پرداختند که در آن، سرمشق (بازیگر فیلم که انسان بزرگ سال بود) رفتار پرخاشگرانه ای داشت؛ یعنی به یک عروسک بزرگ مُشت و لگد می زد. در فیلمی که یکی از این سه گروه کودکان می دید، سرمشق به خاطر پرخاشگری هایش به شدت تنبیه می شد. در فیلم دیگری که به گروه دوم نشان داده شد، بازیگر یا سرمشق برای انجام اعمال پرخاشگرانه اش به مقدار زیادی تقویت دریافت می کرد. در فیلمی که برای گروه سوم (گروه گواه) پخش گردید، پی آمدهای پرخاشگری برای الگو، خنثی بود؛ یعنی الگو یا سرمشق برای رفتار پرخاشگرانه اش، نه تقویت می شد و نه تنبیه.

سپس آزمون رفتار تقلیدی از آزمودنی ها به عمل آمد. در این آزمون، کودکان هر سه گروه با همان عروسک نشان داده شده در فیلم روبه رو شدند و پرخاشگری شان نسبت به عروسک اندازه گیری شد. کودکانی که شاهد تقویت رفتار سرمشق بودند، نسبت به کودکانی که شاهد تنبیه رفتار سرمشق بودند، رفتار پرخاشگرانه بیشتری از خود نشان دادند. به بیان دیگر، کودکانی که شاهد فیلمی بودند که در آن الگو تقویت شده بود، بیشترین میزان پرخاشگری را از خود نشان دادند. کودکانی که شاهد فیلمی بودند که در آن الگو تنبیه شده بود، کمترین میزان پرخاشگری را از خود بروز دادند. کودکانی که شاهد فیلمی بودند که در آن پی آمدهای رفتار الگو خنثی بود، از لحاظ میزان پرخاشگری در حد متوسط میان دو گروه دیگر قرار داشتند. این آزمایش به روشنی نشان داد که الگوبرداری، بر رفتار کسانی که شاهد رفتار الگو هستند، اثر می گذارد.

آلبرت بندورا، یکی از نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، معتقد است که روزنامه، تلویزیون و سینما بسیار آموزنده اند، ولی ممکن است بسیار مخرب باشند و بزرگ ترین تأثیر مخرب رسانه ها به ویژه سینما و تلویزیون، ایجاد پرخاشگری است.

شواهد جمع آوری شده در سال های ۱۹۷۰ - ۱۹۸۰ نشان می دهد که خشونت تلویزیونی با پرخاشگری کودکان، هم بستگی مثبت بسیار بالایی دارد. ارون، لفکو ویتز و والد در نتیجه گیری از مطالعاتی که در این باره انجام دادند، گزارش کرده اند که تماشای تلویزیون ممکن است حتی بعد از گذشت ده سال، تأثیرش را بر رفتار پرخاشگرانه حفظ کند.

بندورا درباره خشونت در برنامه های تلویزیونی این گونه نتیجه گیری کرده است:

نتیجه تحلیل برنامه های تلویزیونی نشان می دهد که رفتارهای خشونت آمیز، بیشتر به صورت رفتار مجاز پذیرفته شده، جلوه داده می شوند. توجه خشونت در برنامه های نمایشی، بیشتر بر راه حل های خشونت آمیز استوار است. در این برنامه ها، خشونت، پاداش دریافت می کند و حتی به ابرقهرمان ها نسبت داده می شود که به سرعت و سهولت، رقیبان خود را از میان بر می دارند. گویی کشتن بنی آدم هیچ اهمیتی ندارد. (۱)

ص: ۵۰

فصل سوم: آسیب شناسی تقلید از الگوها

از نظر آموزه های اسلامی، هدف اصلی تقلید و پیروی از الگوها، دست یابی به حق و حقیقت از راه رشد و تعالی فکری و معرفتی است. متون گوناگونی از قرآن و حدیث، اثبات کننده این موضوع هستند:

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ. (یونس: ۳۵)

آیا آن که خلق را به راه حق رهبری می کند، سزاوارتر به پیروی است یا آن که هدایت نمی کند مگر آنکه خود هدایت شود. پس شما مشرکان را چه شده و چگونه چنین قضاوت می کنید؟

در روایتی نیز این گونه نقل شده است:

انسان کامل و خوب، فردی است که هوای نفس خود را تابع امر خداوند قرار دهد و نیروهایش را در راه رضایت خدا صرف کند. خواری همراه با حق را از عزت در راه باطل، نزدیک تر به دست یابی عزت ابدی بداند. پس چنین انسانی بهترین انسان است. به او تمسک جوئید و به راه و روش او اقتدا کنید. (۱)

ص: ۵۱

حضرت موسی علیه السلام نیز در رویارویی با خضر علیه السلام، هدف پیروی خود از خضر را بهره مند شدن از آموزش همراه با رشد و تعالی ذکر می کند: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا». (کهف: ۶۶)

بنابراین، می توان گفت حق محوری در همه تقلیدها پیش فرضی اساسی است، ولی گاهی به دلیل برخی اشتباه ها، این تقلیدها از مسیر حق محوری خارج می گردد. هر انسانی براساس نظام ارزشی خود، کمال را در چیزی می بیند و بنا بر فطرت کمال جوی خویش، در پی کسانی به راه می افتد که این کمال را دارا هستند. او می کوشد با پیروی از ایشان، به سوی کمال حرکت کند، ولی در این روند ممکن است با آسیب هایی روبه رو شود. انتخاب الگوی مطلوب در گرو شناخت مصداق کمال، شناخت مصداق اسوه کامل و شناخت محدوده شایستگی های الگو است. اشتباه در هر یک از این سه نوع شناخت، ممکن است ما را به اسوه هایی نالایق و الگوهایی دروغین رهنمون سازد و سبب خسارت مادی و معنوی شود. (۱)

۱. اشتباه در تشخیص مصداق کمال

۱. اشتباه در تشخیص مصداق کمال

گاهی ممکن است مقلد در تشخیص مصداق کمال دچار اشتباه شود. مثلاً ممکن است فردی بپندارد کمال انسان در پول داری و ثروتمندی است. طبیعی است چنین فردی، پول داران و ثروتمندان را الگوی خود می انگارد، به آنان می گراید و می کوشد به آنان شبیه شود. در نتیجه، به فقیران به سبب فقر و ناداری توجه نمی کند و از آنان می گریزد. او می کوشد تا آنجا که می تواند شبیه آنها نباشد. قرآن کریم نقل

ص: ۵۲

۱- محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، ص ۶۹؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۲۱_ ۲۲۳.

می کند که قوم نوح دچار چنین پنداری بودند. از این رو، مستمندان و تنگ دستان را پست می شمردند. وانگهی پیروی آنان را از حضرت نوح علیه السلام، دلیل بطلان کیش و آیین وی و علت ایمان نیاوردن خود قلمداد می کردند: «وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ؛ نَمِي بَيْنَ جَزْ كَسَانِي كِه فِرْوَمَايْكَان سَبِك سِر (سطحی اندیش) قوم ما هستند، پیروی تو کرده باشند». (هود: ۲۷) یا «قَالُوا أَتُؤْمِنُ لَمَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ؛ آيَا بِه تُو (نوح) اِيْمَان بِيَاوَرِيْم، دِر حَالِي كِه اِنْسَان هَاي فُقَيْر وَ فِرْوَمَايِه اَز تُو پِيروِي كِرْدِه اِنْد». (شعرا: ۱۱۱)

در صدر اسلام نیز منافقان، مردم مؤمن را به سبب محرومیت های مادی و دنیایی، سفیه و ضعیف العقل می دانستند و از اینکه در حلقه آنان در آیند، ننگ داشتند و می گفتند: «أَتُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ الشُّفَهَاءُ؛ آيَا هِمَانْكَوْنِه كِه اِفْرَاد ضَعِيْف الْعَقْل وَ فُقَيْر اِيْمَان آوَرْدِنْد، مَا نِيْز اِيْمَان بِيَاوَرِيْم». (بقره: ۱۱۳)

کافران، فقر و عقب افتادگی اقتصادی و مالی مؤمنان را دلیل نقص و ضعف عقلی و فرهنگی شان می پنداشتند و استدلال می کردند که ایمان آوردن این ناقص عقلا ن سطحی اندیش، خود، نشان دهنده حقانیت نداشتن این دعوت و دین است:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ. (احقاف: ۱۱۱)

افرادی که کفر ورزیدند، درباره اشخاصی که ایمان آوردند، می گویند اگر این دین خوب بود، آنان بر ما پیشی نمی گرفتند. به همین سبب، بارها به پیامبر گرامی اسلام پیشنهاد می کردند که ژنده پوشان پابرهنه را از اطراف خود بپراکند تا با او به گفت و شنود بنشینند.

۲. اشتباه در تعیین مصداق اسوه کامل

۲. اشتباه در تعیین مصداق اسوه کامل

گاهی انسان ها در این زمینه که چه اسوه هایی کمال لازم را برای الگوگیری دارند، دچار اشتباه می شوند. برای مثال، اگر دانش را مصداق کمال بدانیم، باز جای

این اشتباه است که افرادی را که در واقع دانشمند نیستند، دانشمند پنداریم و مقلدشان شویم. در زمینه هیچ یک از علوم و معارف، کارشناسان راستین به آسانی شناخته نمی شوند و همواره ممکن است عالم نمایان جاهل و گندم نمایان جو فروش، مردم را بفریبند. (۱)

۳. اشتباه در محدوده شایستگی های الگوها

اشاره

۳. اشتباه در محدوده شایستگی های الگوها

این اشتباه وقتی رخ می دهد که الگو و مرجعی را که به حق در زمینه معینی صاحب نظر است، در دیگر زمینه ها نیز الگوی خویش پنداریم، یا برعکس، فردی را صرفاً به دلیل آنکه در زمینه ای خاص، کاردان نیست، لایق الگو بودن در هیچ قلمرویی ندانیم.

از سه اشتباه یادشده، اشتباه سوم در میان مردم به ویژه جوانان بیشتر رایج است که می توان آن را «مغالطه الگویی» نامید. مغالطه الگویی بر اثر تعمیم بخشی نادرست الگوها و بی توجهی به محدوده شایستگی های هر یک از آنها پیش می آید. معرفی الگوهای کامل یا دست کم چند بُعدی، تا حدودی از مشکلات این اشتباه و آفت جلوگیری می کند. تردیدی نیست که اشتباه های یاد شده، به ویژه اشتباه سوم، سبب پدید آمدن آفت هایی در زمینه تقلید می شود که مهم ترین آنها عبارتند از:

الف) شخصیت گرایی

الف) شخصیت گرایی

شخصیت گرایی به این معناست که بخواهیم از فردی که در برخی جنبه های اخلاقی یا علمی دارای کمال است، به طور مطلق در همه زمینه ها پیروی کنیم بدون اینکه واقعا در دیگر زمینه ها شایستگی داشته باشد. مثلاً اشخاصی بخواهند در مسائل اجتماعی و سیاسی، از برتراند راسل، ریاضی دان، منطقی و فیلسوف انگلیسی؛ در

ص: ۵۴

مسائل فلسفی و کلامی، از فیزیک دانانی مانند: انیشتین آلمانی یا ماکس پلانک آلمانی؛ یا در مسائل کلامی، دینی و اخلاقی از الکسیس کارل، زیست شناس فرانسوی پیروی کنند و دیدگاه آنان را در زمینه هایی که تخصص ندارند، بپذیرند. اینان از این غافل هستند که برتری مسلم و انکارناپذیر هر یک از این شخصیت ها در رشته مطالعاتی و تحقیقاتی خود، نمی تواند سبب اعتباربخشی به گفته های آنان در دیگر رشته ها هم باشد. (۱)

ناشایسته تر آنکه گاهی مثلاً با ورزش کار و قهرمان وزنه برداری که هیچ تخصصی در زمینه اقتصاد ندارد، مصاحبه می کنند و نظر او را درباره تورم و اشتغال جویا می شوند. همچنین درباره نظریه ای دینی به سراغ یک سیاستمدار یا هنرپیشه می روند و از او نظرخواهی می کنند و نظر او را به عنوان رأی صحیح ارائه می دهند. (۲)

نوجوان و جوانی که شیفته مقام علمی، معنوی، هنری و ورزشی فردی می شود و در نتیجه این شیفتگی، درصدد برمی آید که حتی در لباس پوشیدن، نشست و برخاست، راه رفتن و سخن گفتن از او تقلید کند، در حقیقت، به آفت شخصیت گرایی دچار شده است. این همان اشتباهی است که آموزه های اسلامی آشکارا نسبت به آن هشدار داده اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

بر حذر باش از اینکه انسانی را بدون دلیل و حجت به عنوان الگوی خود بپذیری و او را در هرچه می گوید، تصدیق کنی. (۳)

در روایت دیگری نقل شده است:

یا دانشمند یا دانشجو باش، ولی ائمه (کسی که بدون دلیل از هر فردی

ص: ۵۵

۱- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲- نقش تقلید در زندگی انسان، صص ۴۹ و ۵۰.

۳- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۵۵، واژه تقلید.

در حقیقت، معنای روایت یاد شده به روایتی معروف از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شبیه است که فرمود:

مردم سه دسته اند: عالم ربانی و الهی و طالب علم و آموزنده ای که بر راه نجات و رهایی یافتن است و مگسان احمقی که هر آوازکننده ای را پیروند و با هر بادی می روند. از نور دانش روشنی نطلبیده اند و به پایه استواری پناه نبرده اند. (۲)

«همج رعاع» (۳) در بخش آخر این روایت، در واقع تفسیر همان «امعه» است که در روایت پیش به آن اشاره شد. (۴)

قرآن کریم نیز به عنوان یک واقعیت و نه یک امر صحیح، بسیاری از انسان ها را مقلد شخصیت ها و چهره های معتبر اجتماعی می داند که شایستگی تقلید ندارند و سبب گمراهی افراد می شوند. برای مثال، خداوند از قول کافران دوزخی چنین نقل کرده است: «رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا لَسْبِيلًا؛ پروردگارا، ما مهتران و بزرگان خویش را فرمان بردیم و آنان ما را گمراه ساختند». (احزاب: ۶۷)

از امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز نقل شده است:

ص: ۵۶

۱- همان. «الامعه الذی لا رأی له فهو يتابع کل احد علی رایه و الهاء فیہ للمبالغه و یقال فیہ امعايضاً»، ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۶۷.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۱۴۷.

۳- مگس های احمقی که از هر سو صدایی بلند شود و از هر جهت باد بوزد، بدون توجه و تأمل، به دنبال آن صدا و باد حرکت می کنند.

۴- برای آگاهی بیشتر درباره معنای روایت قبل و تشابه آن با این روایت نک: محمد محمدی ری شهری، مبانی شناخت، صص ۳۹ - ۴۱.

إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِآيِهِ الْحَقِّ فَاعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ. (۱)

همانا دین خداوند به وسیله شخصیت ها شناخته نمی شود، بلکه به وسیله آیت حق شناخته می شود. پس حق را بشناس که آن گاه اهل حق را خواهی شناخت.

در روایت دیگری نیز آمده است:

مَنْ دَخَلَ هَذَا الدِّينَ بِالرِّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الرِّجَالُ كَمَا أَدْخَلُوهُ فِيهِ وَ مَنْ دَخَلَ فِيهِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ زَالَتِ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ. (۲)

هر فردی که با پیروی از شخصیت ها وارد دین اسلام گردد، شخصیت ها، او را از دین خارج خواهند کرد همان گونه که او را داخل دین کرده اند و هر فردی که به سبب پیروی از معارف کتاب و سنت در دین داخل شود، پیش از اینکه او بلرزد، کوه ها می لرزند (اشاره به شدت استواری این گونه افراد در دین داری است).

همچنین از امیرمؤمنان امام علی علیه السلام روایت شده است:

أَلَا فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبْرَائِكُمْ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفُّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ. (۳)

متوجه باشید، پس بر حذر باشید و دوری کنید از پیروی کردن از بزرگان و افرادی که به سبب شرف خویش احساس بزرگی کردند و افرادی که بیش از قرابت خود احساس رفعت مقام کردند.

افراد و شخصیت هایی که انسان ها به جای تقلید و پیروی از حق، از آنها پیروی می کنند؛ مصداق های گوناگونی دارند که یکی از نخستین مصداق ها، پدر و مادر

ص: ۵۷

۱- شیخ مفید، کتاب الامالی، ص ۵.

۲- همان.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۹.

هستند. قرآن، از یک سو انسان را به احسان و نیکی به والدین سفارش می کند: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِالذِّئْبِ إِحْسَانًا». (احقاف: ۱۵)

از سوی دیگر، بنا به گفته برخی روایت ها، والدین در انتخاب دین فرزند، نقش تعیین کننده ای دارند.

ما مِنْ مَوْلَدٍ وُلِدَ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ وَيُنَصِّرَانِهِ وَيُمَجِّسَانِهِ. (۱)

هیچ مولودی نیست مگر اینکه بر فطرت الهی متولد می شود. پس این والدین او هستند که (بر اثر تربیت نادرست) او را یهودی، مسیحی و مجوسی می کنند.

اما به دلیل اثرپذیری گسترده فرزندان از والدین، از دیدگاه قرآن، اطاعت از پدر و مادر به شکل مطلق نیست، بلکه به خارج نشدن آنها از مسیر صحیح و حق، محدود است، به گونه ای که باعث شرک و رزی فرزندان نشود. قرآن مجید می فرماید:

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ. (لقمان: ۱۵)

و اگر پدر و مادر، تو را بر شرک به خدا که آن را حق نمی دانی، وادار کنند، دیگر امر آنها را اطاعت مکن، ولی در دنیا با آنها به حسن خلق رفتار کن و از راه آن کس که به درگاه ما رجوع و انابه اش بسیار است، پیروی کن.

(ب) تقلید کورکورانه

(ب) تقلید کورکورانه

خداوند می فرماید:

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا

ص: ۵۸

۱- بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۶۵، ح ۸. این روایت با اندکی اختلاف در الفاظ در تفسیر ابوالفتوح رازی، تصحیح الهی قمشه ای، ج ۱، ص ۳۳۵ نیز نقل شده است.

وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ. (زخرف: ۲۳)

و همچنین پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه توانگران و کامرانانش (خوش گذران آن شهر) گفتند که ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و از پی ایشان می رویم.

همچنین قرآن کریم، حکایت افرادی را بیان می کند که وقتی به سوی خدا و رسول دعوت می شوند، می گویند راه و روش پدران ما برای ما کافی است. سپس در نهایت می گوید آیا اگر پدران آنها جاهل و منحرف بودند، باز هم به پیروی از روش پدران خویش بسنده می کردند.

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ. (مائده: ۱۰۴) (۱)

شکی نیست که بسیاری از آیین ها و سنت هایی که پیش از انقلاب اسلامی در کشور ما وجود داشت (نظیر چهارشنبه سوری) پوچ و باطل است. برخی که در پی تقلید از گذشتگان و احیای آثار نیاکان خود هستند، در پی احیا و ترویج چنین سنت هایی هستند و مردم را به پیروی از چنین سنت هایی تشویق می کنند. آنان فقط به این دلیل که سنت چهارشنبه سوری و پریدن از روی آتش، روش نیاکان آنها و یک سنت ملی است، حاضر می شوند از روی آتش بپرند، در حالی که این کار نه فایده ای دارد و نه منطق آن را تأیید می کند؟

برپایی مراسم شب چهارشنبه سوری علاوه بر آتش سوزی هایی که در پی دارد، زمینه را برای اختلاط دختران و پسران و ارتباط های نامشروع آنها فراهم می آورد. بدون تردید، حفظ این سنت های پوچ و بی ارزش، منطقی جز تعصب و تقلید

ص: ۵۹

کورکورانه ندارد و در قرآن محکوم شده است. (۱)

نمونه دیگر اینکه مثلاً وقتی ورزش کاری، لباسی را بپوشد، برخی جوانان، همان مد لباس را انتخاب می کنند و می پوشند، بدون اینکه بدانند چرا آن ورزش کار آن مد ویژه را انتخاب کرده است. همچنین وقتی ببینند فلان ستاره سینما، موهایش را به شکل خاصی آرایش کرده است، عده ای موهایشان را به همان شکل اصلاح می کنند که اینها تقلید کورکورانه است. انسان باید برای گزینش های خودش، منطق و استدلال داشته باشد. اگر کسی از روی هوس یا سلیقه، فرمی را برای موها و لباسش انتخاب کرد، نباید دیگران از او تقلید کنند، بلکه افراد باید برای انتخاب خود استدلال درست داشته باشند و بکوشند خودشان بر اساس مبنای صحیح انتخاب کنند.

ج) پیروی از اکثریت

ج) پیروی از اکثریت

بیشتر مردم در عقیده و عمل خاص، از اکثریت پیروی می کنند بدون اینکه بررسی کنند آیا عقیده یا عمل آن اکثریت، حق و صحیح و منطقی است یا نه؟

هم نوایی و هم صدایی با یک رأی و عقیده که بیشترین طرفدار را دارد، بدون در نظر گرفتن اینکه آن عقیده، حق یا باطل است، از آفت های مهم تقلید به شمار می رود. هم نوایی؛ یعنی تغییر در رفتار یا باورهای فرد که در مباحث کنترل اجتماعی گروه یا جامعه قرار می گیرد. (۲)

مهم ترین دلیل هم نوایی را باید شیفتگی نسبت به اکثریت و وحشت از تنهایی و ماندن در اقلیت دانست. (۳) از امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی نقل شده است:

ص: ۶۰

۱- نقش تقلید در زندگی انسان، ص ۶۳.

۲- علی سلیمی و محمد داوری، جامعه شناسی کج روی، ص ۵۷۱.

۳- کاویانی، ارزش یابی مفاهیم روان شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن، ص ۱۴۶.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوِحْشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلِّهِ أَهْلُهُ. (۱)

ای مردم، در طریق هدایت و حق، از کم بودن پیروان، هراس به خود راه ندهید.

براساس این حدیث، ملاک و معیار اساسی، یافتن مسیر هدایت و حق است. پس از اینکه انسان راه حق را شناخت و در مسیر هدایت قرار گرفت، نباید از کمی همراهان و پیروان بهراسد. همچنین نباید فراوانی طرفداران یک عقیده را دلیل حقانیت آن عقیده پندارد. برخی انسان‌ها در هر کاری با اکثریت هم‌نوا می‌شوند که این ناشی از همین پندار و گمان باطل است. گاهی نیز به این ضرب‌المثل معروف، ولی نادرست استناد می‌کنند که: «خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو». (۲)

ملاک حقانیت و درستی یک رأی و نظر بر خلاف آنچه لیبرال دموکراسی پوچ و دروغین غرب القا می‌کند، (۳) فراوانی عددی طرفداران یک اندیشه نیست، بلکه حقانیت یک رأی به وجود شواهد و قراین و مطابقت آن با برهان و استدلال بستگی دارد. بنابراین، کم یا زیاد بودن طرفداران تأثیری در درست یا غلط بودن آن ندارد. علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می‌نویسد:

آرای اکثریت در برابر آرای اقلیت، همیشه حق نیست، بلکه ممکن است در موضوعی با حق هم‌سو باشد و ممکن است در موارد دیگر چنین نباشد. شایسته نیست انسان خود را همواره سرسپرده اکثریت بداند و رأی

ص: ۶۱

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۰۱.

۲- استاد آیت الله جوادی آملی در سر درس، این شعر را این‌گونه تصحیح کرد: «خواهی نشوی رسوا، هم رنگ حقیقت شو». هم‌رنگی با جماعت یکی از موضوع‌های فرعی روان‌شناسی اجتماعی است. در این زمینه نک: حمید لطفی، روان‌شناسی هم‌رنگی با جماعت، روان‌شناسی اجتماعی نظریه و کاربردها.

۳- برای پی‌بردن به دروغ و پوچ بودن ادعای دموکراسی غربی نک: مقالات کتاب نقد، ش ۲۰ و ۲۱ ویژه دموکراسی، از جمله: فؤاد دانشور، مقاله «شریعتی و نقد دموکراسی».

آنان را میزان و معیار درستی آن قرار دهد. آنچه ضرورت دارد، شناخت حق و پیروی از آن است؛ چه مطابق با خواست اکثریت باشد یا نباشد. (۱)

امام کاظم علیه السلام با استناد به آیه های گوناگون در توصیف عقل، خطاب به هشام بن حکم می فرماید خداوند در قرآن، اکثریت را نکوهش و اقلیت را ستوده است: (۲)

یا هشام، ثُمَّ ذَمَّ الْكَثْرَةَ فَقَالَ «وَإِنْ تُطْعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» وَقَالَ «وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ». يَا هِشَامُ، ثُمَّ مَدَحَ الْقَلِيلَةَ فَقَالَ «وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشُّكُورُ». وَقَالَ: «وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ» وَقَالَ: «وَ مَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ».

ای هشام، خداوند، اکثریت را در قرآن نکوهیده و فرموده است: اگر از اکثر مردم روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند گمراه می کنند (۳) و فرموده است: بیشتر مردم علم و آگاهی ندارند. (۴) ای هشام، سپس خدا اقلیت را ستایش کرده و فرموده است: بندگان شاکر من کم هستند (۵) و انسان های مؤمن و دارای عمل صالح کم هستند (۶) و فرمود: ایمان نیاوردند به او (حضرت نوح علیه السلام) مگر عده اندکی. (۷)

افزون بر آیه های یاد شده، در موارد دیگری نیز در قرآن (۸) و احادیث بر این

ص: ۶۲

۱- سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۰۴.

۲- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۹؛ اصول کافی، ج ۱، باب العقل و الجهل.

۳- انعام: ۱۱۶.

۴- انعام: ۳۷ و آیات متعدد دیگر. نک: المعجم الفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل واژه «اکثر».

۵- سبأ: ۱۳.

۶- ص: ۲۴.

۷- هود: ۴۰.

۸- به عنوان مثال، برخی آیات دیگر که در آنها از اکثریت مذمت و از اقلیت ستایش شده است، عبارتند از: الف) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ. (بقره: ۲۴۳) ب) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. (اعراف: ۱۸۷) ج) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ. (هود: ۱۷) د) أَنْ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ. (مائده: ۱۹ و آل عمران: ۱۱۰) ه) وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ. (مائده: ۱۰۳) و) مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ. (اعراف: ۱۰۲) ز) أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ. (زخرف: ۸۷ و مؤمنون: ۷۰) ح) أَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ. (شعرا: ۲۲۳) ط) كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ. (روم: ۴۲) ی) فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ. (بقره: ۲۴۶) ک) وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا. (آل عمران: ۱۴۲)

واقعیت خارجی تاریخی تأکید شده است که معمولاً اهل حق در اقلیت و اهل باطل در اکثریت بوده اند. از امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی نقل شده است: «أَهْلُ الْبَاطِلِ فِي الْقَدِيمِ وَالْحَدِيثِ أَكْثَرُ عَدَدًا مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ» (۱). حال پرسش مهم این است که اگر ملاک حقانیت یک رأی و عقیده، مطابقت آن با واقع و برخورداری آن از دلیل و منطق صحیح است و اکثریت و اقلیت پیروان یک رأی در حقانیت و بطلان آن تأثیری ندارند، پس چرا در موارد بسیاری، اکثریت در قرآن نکوهش و اقلیت ستایش شده است؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت یکی از مهم ترین دلایل نکوهش اکثریت و ستایش اقلیت این است که بیشتر مردم تابع گمان، ظاهرنگری و اعتماد به شایعه ها و حدس ها هستند. در مقابل، تعداد کمی از مردم از دلیل و برهان و منطق پیروی می کنند. همین نکته باعث مدح و ستایش اقلیت و نکوهش اکثریت شده است. (۲)

ص: ۶۳

۱- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۴.

۲- برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: مقاله «جایگاه اکثریت در نظام اسلامی و دموکراسی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ویژه نامه علوم قرآنی، ص ۱۳۷.

برخی قراین و شواهد، اثبات کننده ادعای یادشده عبارتند از:

۱. در آیه شریفه «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيُضِلُّوكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» به منزله علت و تعلیل است؛ یعنی به این دلیل که بیشتر مردم تابع ظن و گمان هستند، اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند.

۲. تکرار جمله «أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ، وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ...» در پایان بیش از سی آیه قرآن، دلیل و شاهدهی قوی است که این نكوهش به دلیل پیروی از ظن و گمان و بی توجهی به علم و یقین بوده است.

۳. با توجه به فرمایش امام موسی کاظم علیه السلام و آیه های قرآن آشکار می شود که دلیل نكوهش اکثریت، پیروی آنها از گمان و جهل و دلیل ستایش اقلیت نیز پیروی آنها از علم و قطع است. از جمله دیگر قرینه ها، بخش های گوناگون روایت هشام بن حکم است که امام کاظم علیه السلام در آنها عقل ورزی را که به علم و قطع می انجامد، می ستاید. (۱) برای مثال، ایشان در روایت هشام می فرماید:

ای هشام، اگر گردویی داشته باشی و همه گویند لؤلؤ است، سودت ندهد. تو خود می دانی که گردو است و اگر لؤلؤیی در دست باشد و مردم گویند گردو است، زیانت نرساند. تو خود می دانی که لؤلؤ است. (۲)

(د) تضاد و اصطکاک بین رفتار الگوها

(د) تضاد و اصطکاک بین رفتار الگوها

در فرآیند شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان، الگوهای رفتاری، بیشترین نقش را برعهده دارند. یادگیری، اساس رفتار آدمی را تشکیل می دهد و در میان یادگیری ها، یادگیری های غیرمستقیم، ضمنی یا مشاهده ای، پایدارترین و مؤثرترین

ص: ۶۴

۱- نک: حسین مهدی زاده، آیین عقل ورزی (پژوهشی در باب جایگاه عقل در تربیت از دیدگاه امام موسی کاظم علیه السلام در روایت هشام بن حکم).

۲- تحف العقول، ص ۴۵۰.

یادگیری ها به شمار می روند. البته در این میان، مهم ترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است.

تأثیر شخصیت الگوها در شکل گیری رفتار کودکان و نوجوانان بسیار چشم گیر است. بنابراین، برای کودکان پیش دبستانی و دبستانی که در کنار خانواده ها با الگوهای رفتاری دیگر همچون معلمان در ارتباط هستند، نقش الگوها اهمیت فراوانی می یابد. خمیرمایه شخصیت کودکان در کانون خانواده شکل می گیرد و تقلید از رفتار والدین و دیگر اعضای خانواده از برجسته ترین ویژگی های کودکان در سنین پیش دبستانی است. به همین دلیل، تقلید از رفتار الگوها در زندگی خردسالان آشکارا دیده می شود. هر قدر الگوهای رفتاری در نظر کودکان، شخصیت محبوب تری داشته باشند، رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنها بیشتر مورد توجه آنان قرار می گیرد.

آنچه در فرآیند رشد شخصیت کودکان و اثرپذیری آنها از الگوهای رفتاری بسیار حساس است، هماهنگی، همانندی و همراهی الگوها در رشد شخصیت و معیارهای اخلاقی هنگام ورود کودک به مدرسه است. در مقابل، ناهماهنگی و ناهمانندی الگوها سبب بی ثباتی عاطفی، دوگانگی احساس و تعارض های روانی می گردد که از موانع بسیار مهم در فرآیند رشد شخصیت و سازگاری های فردی و اجتماعی است.

وقتی کودک دچار تعارض روانی شود، بیانگر این حقیقت است که در یک یا چند موضوع، مشاهده گر الگوها یا سرمشق های متفاوت یا متضاد بوده است. به همین دلیل، تعادل عاطفی، اطمینان و امنیت خاطرش که سخت به آن نیازمند است، دچار مخاطره شده است. بنابراین، هماهنگی و همانندی الگوهای متعالی رفتاری در محیط خانه و مدرسه، عامل ارضای یکی از اساسی ترین نیازهای فرزندان؛ یعنی بهداشت روانی است.

در رویارویی کودک با الگوهای رفتاری متعارض و متناقض، باید توجه داشت که کودک، داور نیست که بخواهد عملکردهای الگوهای بزرگ سال همچون پدر، مادر و معلم را داوری کند. بنابراین، هرگز نباید چنین موقعیت تناقض آمیزی برای او ایجاد شود. (۱)

بر اساس مباحث یاد شده یکی از مهم ترین آفت ها در ناکارآمدسازی تقلید از الگوها، آفت تضاد و اصطکاک میان الگوهاست. منظور از این آفت، برخوردها و تعارض هایی است که میان الگوهای مورد علاقه اسوه پذیر وجود دارد. مثلاً اگر فرزندان خانواده در شیوه تربیت، شاهد تضاد و تعارض میان والدین؛ یعنی الگوهای مورد علاقه خود باشند، آفت تضاد و اصطکاک در الگوها رخ می دهد.

همچنین اگر نوجوان میان نظام رفتاری حاکم بر خانه و مدرسه با رسانه های گروهی تفاوتی بیند، دچار دوگانگی خواهد شد. در چنین موقعیتی، الگوپذیر چون رشد شناختی مطلوبی ندارد، گرفتار تردید و نگرانی می شود. او نمی داند به اصول و ارزش های خانواده پای بند باشد یا ارزش های اجتماعی و الگوهای مدرسه و جامعه را بپذیرد. نتیجه این دوگانگی الگوها این است که الگوپذیر نسبت به همه ارزش ها بی اعتماد می شود و هر جا مصلحت خویش را بیابد، از همان پیروی می کند. این کار نیز حاصلی جز پرورش روحیه نفاق و دورویی و خودخواهی در پی ندارد. (۲)

ه) لغزش الگوها

ه) لغزش الگوها

مراد از این آفت آن است که الگوها و اسوه های یک جامعه دچار لغزش و انحراف شوند. بدیهی است تأثیر منفی این آفت بسیار زیاد است؛ زیرا گمراهی و

ص: ۶۶

۱- غلام علی افروز، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، صص ۶۱ _ ۶۸.

۲- مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، ش ۹، ص ۳۴. گفتنی است آفت های بعدی نیز از بحث آسیب شناسی این مقاله اقتباس شده است.

لغزش الگوها، سبب گمراهی و لغزش عده بسیاری از الگوپذیران می شود. تردیدی نیست که دانشمندان جامعه، یکی از مهم ترین الگوها هستند. حال اگر دانشمندان جامعه دچار لغزش و انحراف شوند، به طور طبیعی، انحراف آنها سبب گمراهی شمار فراوانی از انسان ها خواهد شد. در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین نقل شده است:

زَلَّهُ الْعَالِمُ كَانِكِسَارِ السَّفِينَةِ تَغْرُقُ وَ تُغْرَقُ مَعَهَا غَيْرُهَا. (۱)

لغزش دانشمند مثل شکستن کشتی است که غرق می شود و دیگران نیز با آن غرق می شوند.

حساسیت نقش اثرگذاری دانشمندان به عنوان الگو سبب شده است که در روایت ها نسبت به رفتار آنها سخت گیری شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ. (۲)

هفتاد گناه از نادان بخشیده می شود پیش از اینکه یک گناه دانشمند مورد بخشش قرار گیرد.

با توجه به اهمیت الگوها در اثرگذاری است که در منابع اسلامی، بر ترکیه نفس الگوها و رهبران علمی، عملی، فرهنگی و سیاسی جامعه به ویژه افرادی که به هر شکلی با خاندان رسالت و نبوت و اهل بیت علیهم السلام ارتباط دارند، بسیار تأکید شده است، به گونه ای که جزا و پاداش رفتار آنها نسبت به دیگران دو برابر بیان شده است. در قرآن مجید آمده است:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ! مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ

ص: ۶۷

۱- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۷، ح ۲۳۳.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷، باب لزوم دوجه علمی العالم و تشدید الارم علیه، ح ۱.

كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا. (احزاب: ۳۰ و ۳۱)

ای زنان پیامبر، از شما هر که دانسته به کار ناروایی اقدام کند، او را دو برابر دیگران عذاب و عقاب کنند و این برای خدا آسان است و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود، دو برابر پاداش عطا می کنیم و برای او روزی بسیار نیکو در بهشت ابد فراهم می سازیم.

اینکه در این آیه ها، ثواب و عقاب رفتار نیک و بد زنان پیامبر دو برابر بیان شده، به خاطر آن است که مردم به دلیل منسوب بودن این زنان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آنان را الگوی خویش می دانند.

(و) ناهمانگی میان گفتار و رفتار الگوها

(و) ناهمانگی میان گفتار و رفتار الگوها

مقصود از این آفت آن است که الگوها به باورها و گفته های خود رفتار نکنند و در نتیجه، بین گفتار و رفتار آنها همانگی وجود نداشته باشد، به گونه ای که رفتار آنها، باورها و گفته هایشان را تصدیق نکند.

خداوند در قرآن کریم، انسان هایی را که در گفتار، دیگران را به رفتار نیک فرا می خوانند، ولی خود به آن عمل نمی کنند، به شدت نکوهش کرده است:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ. (بقره: ۴۴)

آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، ولی خودتان را از یاد می برید، با اینکه شما کتاب آسمانی را می خوانید؟ آیا شما نمی اندیشید؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبِيرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. (صف: ۲ و ۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟ مایه خشم خداست که سخنی بگوئید که به آن عمل نمی کنید.

در آیه یاد شده، علت نکوهش شدید قرآن این است که گفتار بی عمل، نوعی دروغ گویی و نفاق است که در وجود الگو و مربی ظاهر می شود. این نفاق، از سویی به طور ناخودآگاه به الگوپذیر سرایت و از سوی دیگر، اعتماد او را از الگو و مربی سلب می کند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ يَعْلَمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّافِ. (۱)

هرگاه دانشمند به علم خود عمل نکند، پند و اندرز او در دل ها نفوذ نمی کند، همچنان که باران در سنگ صاف نفوذ نمی کند.

معنای این حدیث در شعر سعدی چنین تجلّی یافته است:

عالمی را که گفت باشد و بس

هرچه گوید، نگیرد آندر کس

امیر مؤمنان علی علیه السلام که الگوی همیشه جاوید همه مؤمنان و انسان های وارسته است، سوگند یاد می کند که من چیزی را که خود عمل نمی کنم، به شما نمی گویم.

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعِهِ إِلَّا وَ أَسْبَقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنهَاكُمُ مِنْ مَعْصِيَتِهِ إِلَّا وَ أَتَنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا. (۲)

ای مردم، به خدا سوگند، من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم جز آنکه خود، پیش از شما به انجام آن بر می خیزم و شما را از معصیتی باز نمی دارم جز آنکه خود، پیش از شما آن را فرو می گذارم.

ز) وابستگی فکری به الگوها

ز) وابستگی فکری به الگوها

تقلید از الگوها گاهی سبب می شود که الگوپذیر از نظر فکری وابسته شود و در نتیجه، استقلال فکری خود را از دست دهد. برای مثال، کودک در ابتدای زندگی

ص: ۶۹

۱- همان، ج ۱، ص ۴۶، باب التعامل العلم، ح ۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

برای ارضای حس کنجکاوی خویش پی در پی چیزهایی از والدین خود می پرسد و پاسخ آنها را می پذیرد و به آن عمل می کند. رفته رفته این پندار در کودک ایجاد می شود که همه چیز را باید از پدر و مادر آموخت. اگر این پندار در سنین بعدی کودک رشد یابد، سبب می شود فرزند به والدین خویش و هر الگوی دیگری وابستگی فکری شدید پیدا کند، به گونه ای که کورکورانه در همه چیز از آنان تقلید کند. قرآن کریم در آیه های فراوانی، انسان ها را به تعقل، تفکر و تدبّر، تشویق کرده و از تقلید کورکورانه از والدین و بزرگان باز داشته است:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ. (مائده: ۱۰۴) (۱)

و چون به آنها گفته شود بیایید از حکم کتابی که خدا فرستاد و از دستور رسول او پیروی کنید، گویند آن دینی که پدران خود را بر آن یافتیم، ما را بس است. آیا باید همچنان از پدران خود در صورتی که آنها مردم جاهلی بوده و به حق راه نیافته باشند، پیروی کنند؟

ص: ۷۰

۱- نک: اعراف: ۲۸؛ یونس: ۵۳ و ۵۴؛ انبیا: ۷۴؛ شعرا: ۲۱؛ لقمان: ۲۲ و ۲۳.

فصل چهارم: راهکارهای مقابله با آفت های الگوها

دانستیم که تقلید و همانندسازی مطلوب، از الگوهای مثبت، ضروری و شایسته است، ولی به شرط اینکه تقلید از الگوها با علم و آگاهی و از راه گزینش و انتخاب اصلح صورت گیرد. پیروی ناآگاهانه آفت های گوناگونی دارد که برخی را برشمردیم. حال پرسش این است که راهکارهای پیش گیری از آفت های تقلید نادرست و ناآگاهانه چیست؟

۱. راهکار بلندمدت

۱. راهکار بلندمدت

تردیدی نیست که انسان برای انجام عمل صالح به علم و آگاهی نیاز دارد و علم و آگاهی نیز با تفکر به دست می آید. در قرآن آیه های فراوانی وجود دارد که انسان را به تفکر، تعقل، بصیرت و معرفت دعوت می کند. بیان کلماتی مانند: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ، أَفَلَا تُبْصِرُونَ، أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ» در آیه های قرآن، بهترین شاهد بر این ادعاست. افزون بر این، به طور خاص، قرآن، انسان ها را از تقلید به دور از تعقل، نهی کرده است:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ

كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ. (بقره: ۱۷۰) (۱)

راهکار اساسی و دراز مدت برای مقابله با تقلید ناآگاهانه، افزایش توان تفکر و تعقل مردم است؛ زیرا هرچه قدرت تفکر و تعقل مردم بیشتر شود، تقلید و پیروی از الگوهای نادرست و ناشایست کمتر خواهد شد. اساسی ترین و کارسازترین شیوه این است که قدرت تفکر و تعقل مردم را افزایش دهیم؛ یعنی به آنان کمک کنیم تا دریابند که کمال حقیقی آدمی به اموری مانند: پول و ثروت، مقام و قدرت و غیر آنها بستگی ندارد. وانگهی اگر فردی در یکی از این زمینه ها موفق باشد، باز دلیل درستی نظریه های او، در دیگر زمینه ها و همه رفتارهای فردی و اجتماعی او نیست. (۲) افزایش قدرت تفکر مردم سبب خواهد شد که الگوهای راستین و شایسته، از الگوهای دروغین و ناشایست تشخیص داده شوند.

ثمره تفکر، استقلال فکری افراد جامعه به ویژه جوانان است. در مقابل، نتیجه تفکر نکردن و نداشتن قدرت تجزیه و تحلیل، تقلید کورکورانه است. استاد شهید مرتضی مطهری درباره استقلال فکری می فرماید:

تبعیت از مد و لباس و غذا خوردن و گفتن بای بای و گودبای و اسم فرنگی روی بچه ها گذاشتن، غذای فرنگی خوردن و لباس فرنگی پوشیدن نشانه عدم استقلال فکری است. اهمیت ندادن به شعارهای ملی و دینی و پذیرفتن شعارهای دیگران دلیل بر عدم استقلال فکری است. البته لازمه استقلال فکری این نیست که از حقایق علمی دیگران یا تمدن خارجی استفاده نکنیم. علم، صنعت و دین، وطن ندارد. استقلال فکر با اقتباس خوبی های ملل دیگر، منافات ندارد. تاریخ در قرآن، برای اقتباس و احتراز است: اقتباس از صفات عالی اخلاقی مانند: صبر، مقاومت،

ص: ۷۲

۱- نک: بقره: ۱۷۰ و ۱۷۱؛ اعراف: ۲۸؛ یونس: ۵۳ و ۵۴؛ شعرا: ۷۴؛ لقمان: ۲۱؛ زخرف: ۲۲ و ۲۳.

۲- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۲۴.

آزادگی و ایمان که وضع سعادت‌مندان به برخی ملل را بیان می‌کند و نیز احتراز از صفات بد، مانند: پیروی‌های کورکورانه، غرور، فساد و مانند اینها. (۱)

البته در این میان، باید دانست رشد تعقل و تفکر نیازمند زمان طولانی است. همچنین از آنجا که برخی مردم توان فهم و درک استدلال‌های عقلی برای تحصیل رشد تعقل و تفکر را ندارند. پس لازم است افزون بر راهکار دراز مدت یاد شده، از برخی راهکارهای کوتاه مدت نیز که زودتر نتیجه می‌دهد، استفاده کنیم.

۲. راهکارهای کوتاه مدت

اشاره

۲. راهکارهای کوتاه مدت

زیر فصل‌ها

الف) نكوداشت الگوهای مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب

ب) بهره‌گیری شایسته از عواطف مردم

الف) نكوداشت الگوهای مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب

الف) نكوداشت الگوهای مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب

یکی از راهکارهای کوتاه مدت برای پیش‌گیری از آفت‌های تقلید، مقابله با الگوهای نامطلوب و معرفی و قدردانی از الگوهای مطلوب گذشته و حال جامعه است. بر همین اساس، اسوه‌پردازی و اسوه‌سازی که در ضمن آن به معرفی الگوهای مثبت و نکوهش الگوهای منفی پرداخته می‌شود، یکی از روش‌های مهم تربیتی است. (۲)

به دلیل اهمیت نقش الگوها در راهنمایی و تربیت انسان از دیدگاه اسلام، روش تربیتی اسوه‌پردازی و اسوه‌سازی در متون اصیل اسلامی، همچون قرآن و احادیث، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. قرآن به طور عام پیامبران الهی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را اسوه‌حسنه و مطلوب معرفی می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؛ در ابراهیم و کسانی که با او

ص: ۷۳

۱- مرتضی مطهری، مقاله «استقلال فکری»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۲/۲۴، ص ۹.

۲- نک: نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۱۰۱ - ۱۰۴.

بودند، برای شما (مومنان) الگوی نیکو هست». (ممتحنه: ۴)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا. (احزاب: ۲۱)

در پیامبر خدا برای شما، برای کسانی که به خدای متعال و روز بازپسین امیدوارند و خدای متعال را بسیار یاد می کنند، الگوی نیکویی هست.

افزون بر این، گاهی قرآن به طور ویژه الگوهایی برای جوانان و جوان مردان معرفی کرده است که نمونه برجسته آن داستان «اصحاب کهف» است:

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ... نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى. (كهف: ۹ _ ۱۰ و ۱۳)

ای رسول ما، تو پنداری که قصه اصحاب «کهف» و «رقیم» در مقابل این همه آیات قدرت و عجایب حکمت های ما واقعه عجیبی است. آن گاه که آن جوانان در غار کوه پنهان شدند، از درگاه خدا خواستند که بار الها، تو در حق ما به لطف خاص خود رحمتی عطا فرما و برای ما وسیله رشد و هدایت کامل را مهیا ساز... ما قصه آنان را برای تو به درستی حکایت خواهیم کرد. آنها جوان مردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما بر مقام هدایتشان افزودیم.

افزون بر مردان و جوانان، قرآن با بیان الگوهای مثبت و منفی برای زنان، الگوهای مطلوب و نامطلوب را به آنان معرفی کرده است. برای نمونه، در مورد الگوهای منفی زنان در قرآن می توان به زن نوح و لوط اشاره کرد که قرآن به عنوان الگوی کافران از آنان یاد می کند:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ

مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتْهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ. (تحریم: ۱۰)

خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثال آورد که زیر فرمان دو بنده صالح ما بودند و به آنها خیانت کردند و آن دو شخص با وجود مقام نبوت نتوانستند آنان را از قهر خدا برهانند و حکم شد آن دو زن را با دوزخیان به آتش درافکنید.

در مقابل، در جانب الگوهای مثبت نیز زن فرعون و حضرت مریم، دختر عمران را به عنوان الگو مثال زده است:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَ مَا أُكْرِمْتَهَا بِمَا شَاءَ فَاتَّقِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (تحریم: ۱۱ و ۱۲)

و خدا برای مؤمنان، (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که عرض کرد: بار الهی، (من از قصر فرعون و عزت دنیوی گذشتم) و تو خانه ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شرّ فرعون کافر و کردارش و از قوم ستم کارش نجات بخش و یاد آر حال مریم، دختر عمران را که رَحْمَتِش را پاکیزه داشتیم. آن گاه در آن از روح قدسی خویش دمیدیم که آن مریم، کلمات پروردگار خود و کتاب های آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و از بندگان مطیع خدا بود.

همچنین بیان اوصاف مثبت و منفی عقیدتی، اخلاقی و رفتاری گروهی از مردم را می توان در راستای اسوه پردازی و اسوه سازی دانست. برخی صاحبان اوصاف مثبت در زمینه های عقیدتی، اخلاقی و عملی که قرآن به منظور اسوه سازی از آنها استفاده کرده است، عبارتند از: متقین، مؤمنین، صالحین، مخلصین، محسنین، مجاهدین، صابرين، مسلمین، صدیقین، متوکلین، توابین، مقسطین، مستغفرین،

متطهرین، مفلحین، صائمین، مصلین، خاشعین، صادقین، قانتین، ذاکرین، مهتدین و اولوالالباب (۱).

در مقابل، برخی صاحبان اوصاف منفی در زمینه های عقیدتی، اخلاقی و عملی را که قرآن با هدف اسوه پردازی و درس عبرت گرفتن انسان ها از آنها یاد کرده است، عبارتند از: کافرین، مشرکین، ظالمین، مفسدین، مسرفین، خائنین، مستکبرین، خاسرین، فاسقین، منافقین، جاهلین، ضالین و معتدین (۲).

در دیگر متون معتبر اسلامی، همچون کتاب های حدیثی، رجالی، تاریخی نیز بیان سرگذشت انسان های مطلوب و نامطلوب به چشم می خورد که برای اسوه پردازی آورده شده است.

معرفی الگوهای راستین به افراد جامعه و مبارزه با الگوهای دروغین، چنان اهمیت دارد که وقتی الگویی نادرست (۳) به جامعه معرفی می شود، رهبری چون حضرت امام خمینی رحمه الله وارد میدان می شود و بت های فکری و فرهنگی را درهم می شکند و با هشدار تاریخی، گوینده را از خطر ارتداد و اعدام برحذر می دارد (۴).

در مورد الگوهای هنری و ورزشی نیز باید یادآوری کرد، به دلیل لذت بخش

ص: ۷۶

۱- این اوصاف در قرآن به صورت مؤنث نیز به کار رفته است، مانند: مسلمات، مؤمنات، قانتات، فانتات، صادقات، صابرات، خاشعات، متصدقات، صائمات، حافظات، ذاکرات. نک: احزاب: ۳۵.

۲- نک: اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن، بخش هفتم چهره های محبوب و منفور قرآنی؛ نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت با عنوان سیمای اسوه ها در آینه قرآن و سنت.

۳- در هشتم بهمن ۱۳۶۷ گفت و گویی از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شد که در آن، گفت و گو شونده گفت: الگوی زنان ما قهرمان سریال سال های دور از خانه اوشین است، نه فاطمه زهرا علیهاالسلام. برای آگاهی درباره شیوه اسوه پذیری از سیره فاطمه زهرا علیهاالسلام و اینکه چگونه از اسوه های تاریخی می توان الگو گرفت، نک: جامی از زلال کوثر، صص ۹۰ _ ۹۵.

۴- نک: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۷۶.

بودن تفریح های مادی، این گونه الگوها بیشتر مورد توجه جوانان قرار می گیرند. بنابراین، در بحث معرفی الگوهای مطلوب، لازم است در الگوسازی هنری و ورزشی از طریق رسانه های مشاهده ای و دیداری بیشتر دقت شود.

پژوهش های مقایسه ای در جوامع گوناگون نشان می دهد که تماشای برنامه های ورزشی دارای زد و خورد و فیلم های خشونت آمیز تلویزیونی، رفتار پر خاش گرانه نوجوانان را در خانه، مدرسه و کوچه و خیابان به طور جدی افزایش داده است. در مقابل، نمایش برنامه هایی که حاکی از گذشت، صداقت، شجاعت، خویشتن داری، محبت و سبقت در دوستی باشد، رفتارهای مطلوب را در ایشان بیشتر می سازد. (۱) تردیدی نیست که اگر سرمشق ها، رفتار مناسبی ارائه ندهند، نوجوان را نسبت به ارزش های اخلاقی، سست و حتی بی تفاوت می سازند. وجود این نمونه های عملی می تواند نوجوان را مؤمن سازد یا او را از راه به در برد و گمراه کند. (۲)

ممکن است تماشاگران از رفتار، گفتار، اخلاق، مد لباس، رنگ لباس، کفش، کلاه و شیوه غذا خوردن مجریان برنامه درس بگیرند. هر بیننده ای الگوی خاصی را انتخاب می کند و رفتار ویژه ای را سرمشق خود قرار می دهد. (۳) اثرپذیری مردم از برخی برنامه های تلویزیونی مانند دو مجموعه طنز «زیر آسمان شهر» و «بدون شرح» بهترین مؤید این واقعیت است. البته در میان الگوها و سرمشق های گوناگون مثل: استادان، معلمان، خلبانان، فضانوردان، عالمان دینی، قهرمانان ورزشی و هنرمندان، قهرمانان ورزشی و هنری برای بخشی از جوانان جذابیت بیشتری دارند. به همین دلیل، لازم است الگوسازی در آنها با برنامه و دقت و ظرافت همراه باشد که

ص: ۷۷

-
- ۱- غلام علی افروز، روان شناسی تربیتی کاربردی، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.
 - ۲- احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۶۱.
 - ۳- ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

متأسفانه بعضی وقت ها این گونه نیست.

درباره میزان اثرگذاری هنرهای دیداری مثل تلویزیون و سینما، همین بس که الگوسازی در قالب هنر به ویژه هنرهای دیداری می تواند زیباترین و مقدس ترین ارزش ها را به جامعه منتقل کند. کارگردان فیلم محمد رسول الله صلی الله علیه و آله دربارۀ تأثیر این فیلم در آفریقا می گوید:

تأثیر فیلم در میان جمعیت فوق العاده بود به ویژه آنجا که چهره بلال سیاه پوست روی پرده می آمد. همه تماشاچیان یک صدا لهله می کردند و فریاد می زدند. یکی از رؤسای جمهور (سرهنگ کذافی) که از تماشاگران صحنه بود، چنین گفت: نقش سینما (فیلم) از تانک هم پر قدرت تر است. (۱)

نقش الگویی قهرمان ها در هنرهای دیداری، به اندازه ای است که گاه افراد ناخودآگاه می کوشند مانند قهرمان مورد علاقه خود حرف بزنند و رفتار کنند. برای مثال، آنتونی کوئین که در فیلم محمدرسول الله صلی الله علیه و آله در نقش حمزه سیدالشهداء بازی کرده است، چنان تحت تأثیر حمزه علیه السلام قرار گرفته بود که در نهایت مسلمان شد. وی می گوید:

من قبل از بازی برای فیلم، کتاب های زیادی در مورد حمزه علیه السلام خواندم تا بتوانم نقش او را به خوبی بازی کنم. اکنون که بیست سال از بازی گذشته است، جاذبه شخصیت حمزه چنان است که گویی همیشه با من است. من فیلم های زیادی بازی کرده ام، ولی هیچ کس مانند حمزه در من تأثیر نداشته است. رفتارهای من ناخودآگاه تحت تأثیر شخصیت اوست و به همین دلیل، مسلمان شدم. (۲)

ص: ۷۸

۱- فغفور مغربی، مقاله «نقش الگوها در زندگی جوانان»، مجله نگاه حوزه، ش ۴۸، ۴۹ و ۵۰، صص ۷۲ و ۷۳.

۲- همان.

با توجه به همین واقعیت انکار ناشدنی تأثیر گسترده فیلم‌ها به ویژه فیلم‌های مذهبی، می‌بینیم که در قرآن، بارها و بارها از قالب هنری داستان استفاده شده است. بدون تردید، تبدیل داستان‌های تربیتی و آموزنده قرآن در قالب هنر جذاب فیلم‌های نمایشی، از نظر الگوسازی و الگوپذیری، اثر گسترده‌ای بر مردم به ویژه جوانان دارد. استقبال گسترده مردم از فیلم‌های مذهبی و دینی مانند: سریال امام علی علیه السلام، مردان آنجلس، تنهاترین سردار، ولایت عشق و مریم مقدس، بهترین مؤید آن است.

(ب) بهره‌گیری شایسته از عواطف مردم

(ب) بهره‌گیری شایسته از عواطف مردم

افزون بر معرفی الگوها، لازم است گاهی از ویژگی‌ها و عواطف روانی و اجتماعی مردم تا آن مقدار که صحیح و حق است، بهره‌برداری شایسته کرد. تأثیر این گونه بهره‌گیری‌ها در تکوین و تغییر شخصیت افراد، به مراتب بیشتر و سریع‌تر از تأثیری است که ادله صرفاً عقلی بر جای می‌گذارند. به همین دلیل، قرآن و پیامبر اسلام برای افزایش آگاهی مردم، کمتر از برهان‌های عقلی عمیق و پیچیده استفاده کرده و بیشتر از احساسات و عواطف صحیح مردم بهره‌گرفته‌اند.

برای مثال، هنگامی که پیامبر گرامی اسلام به رسالت برانگیخته شد، جامعه عرب از چهار گروه حنفا،^(۱) یهودیان، نصارا و مشرکان بت پرست تشکیل شده بود. چون یکی از وجوه اشتراک مهم این چهار گروه، انتساب آنها به حضرت ابراهیم علیه السلام بود، پیامبر گرامی اسلام از این وجه اشتراک به درستی بهره‌برداری کرد و در راه ترویج و اشاعه دعوت خود از آن سود فراوان جست. به همین دلیل، قرآن کریم، هشت بار از «ملمه ابراهیم» (یعنی کیش و آیین ابراهیم) سخن به میان می‌آورد.^(۲)

مثال تاریخی دیگر، استفاده امام خمینی رحمه الله از احساسات و عواطف دینی مردم

ص: ۷۹

۱- حنفاء: آبا و اجداد پیامبر اسلام بودند که خود را پیرو دین حضرت ابراهیم علیه السلام می‌دانستند.

۲- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۲۵.

و عشق و علاقه آنها به امام حسین علیه السلام و مراسم عزاداری آن حضرت برای ایجاد انقلاب اسلامی و ستم ستیز ایران بر ضد دستگاه طاغوت شاهنشاهی است. ایشان از وجود روحانیت به عنوان سربازان فکری و فرهنگی خود بهره برد. همچنین در سخنرانی های محرم و صفر، حکومت شاهنشاهی را با حکومت معاویه و یزید مقایسه کرد. آن رهبر بزرگ به مردم ایران یاد داد که همانند امام حسین علیه السلام یارانش در مقابل طاغوت سکوت نکنند. مردم نیز سکوت نکردند و تحریک احساسات و عواطف دینی مردم و افزایش معرفت دینی آنان به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید.

امروز که استکبار جهانی برای پیش گیری از استمرار انقلاب اسلامی، چنگ و دندان نشان می دهد، طرح شعار «عزت و افتخار حسینی» از سوی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، نمونه دیگری از استفاده صحیح از احساسات دینی مردم است.

نکته مهمی که در هر دو راه حل باید بدان توجه کرد، هماهنگی و یکپارچگی همه نهادهای فرهنگی در تبلیغ الگوهای فکری و رفتاری مطلوب و حذف الگوهای نامطلوب است، همان گونه که در جهاد نظامی، همت و اراده و برنامه ریزی واحد و هماهنگ لازم است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه فرموده است: «یکون همهم هما واحدا فی جهاد العدو»^(۱) بدون تردید، در جهاد فرهنگی علیه هجوم فرهنگی دشمن، بر ضد جوانان نیز مراکز فرهنگی باید هماهنگ عمل کنند. امام علی علیه السلام نیز در این زمینه فرموده است: «از شکستن اصول اخلاقی و دگرگون کردن آنها پرهیزید و زبان را هماهنگ قرار دهید»^(۲).

ص: ۸۰

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- همان، خطبه ۱۷۶.

اگر افراد جامعه به ویژه قشر جوان که اثرپذیری فرهنگی آنها بیشتر است، در برخورد با نهادهای فرهنگی، با صداها و شعارها و عملکردهای متفاوتی روبه رو شوند، نسل جوان دچار تناقض می شود. اگر نهاد فرهنگی خانواده، افکار و رفتار ویژه ای را به کودکان و فرزندان القا کند؛ نهاد مدرسه نیز افکار و هنجارهای دیگری را به جوان بیاموزد و رسانه های گروهی مثل صدا و سیما و مطبوعات، افکار و هنجارهای متفاوت دیگری را تبلیغ کنند، مردم و نسل جوان دچار تعارض های الگویی و رفتاری می گردند. این واقعیت تلخ که به دلیل ناهماهنگی و سیاست گذاری چندگانه در مقوله فرهنگ در جامعه ما وجود دارد، تعلیم و تربیت صحیح و عمیق نسل آینده را به شدت تهدید می کند.

به نظر می رسد یکی از علل مهم این آشفتگی بازاری، تئوریزه نشدن دقیق و عمیق مسائل فرهنگی از سوی نخبگان جامعه است؛ زیرا نبود ایدئولوژی مسلط و حاکم، زمینه را برای برخوردهای سلیقه ای و متفاوت به ویژه در مسائل فرهنگی فراهم می کند.

به همین دلیل، به نظر روان شناسان، مهم ترین عامل ایجاد کننده اطاعت داوطلبانه، پذیرش یک ایدئولوژی مسلط از سوی فرد است. این ایدئولوژی به اقتدار فرد مسئول رسمیت می بخشد و پیروی از دستورهای او را توجیه می کند. سربازان امریکایی که در ویتنام از دستور تیراندازی به سوی غیر نظامیان دشمن اطاعت می کردند، پیشاپیش، خود را تسلیم این عقیده کرده بودند که امنیت ملی مستلزم اطاعت بی چون و چرا از دستورهای نظامی است. (۱)

بنابراین، نبود ایدئولوژی قوی و مستدل و مسلط که بتواند به تئوریزه کردن مسائل فرهنگی پردازد، می تواند ناهنجاری های فکری و رفتاری را در مقوله فرهنگ شدت بخشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در حدیثی، برخی از این ناهنجاری ها را بیان

ص: ۸۱

می کند و ثمره بروز چنین ناهنجاری هایی را پیروی نکردن از الگوهای شایسته و روی آوردن به تکروی و خودپیروی دانسته است:

فِيَا عَجَبًا وَمَالِي لَا أَعْجَبُ مِنْ خَطَا هَذِهِ الْفِرْقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَفْتَتُّونَ آثَرَ نَبِيِّ وَلَا يَقْتَتِدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِعَيْبٍ وَلَا يَعْفُونَ عَنْ عَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَالْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْزَعُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَتَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُهْمَاتِ عَلَى آرَائِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ امْرِئٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا يَرَى بِعُرَى ثِقَاتٍ وَأَسْبَابِ مُحْكَمَاتٍ. (۱)

پس شگفتا! و چگونه به شگفت نیایم از خطا و اشتباه کاری این فرقه های گوناگون که دلیل های ایشان در دینشان با یکدیگر اختلاف دارد. از سنت پیامبری پیروی نمی کنند، به کردار وصی اقتدا نمی کنند و ایمان به غیب نمی آورند و از زشتی نمی پرهیزند. به شبهه ها عمل می کنند و از خواهش های نفس پیروی می کنند. معروف و پسندیده نزد ایشان چیزی است که خودشان نیکو شناخته اند و منکر و ناشایست پیش آنها چیزی است که خودشان بد دانسته باشند.

در مشکلات، پناه گاهشان خودشان هستند و در امور پیچیده و پوشیده اعتمادشان بر رأی های (نادرست) خودشان است. گویا هر فردی از ایشان در آنچه می بیند، پیشوای خود است که بندهای استوار و دلایل محکم از خوش گرفته است.

ص: ۸۲

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۸۷، ص ۲۱۹. برای آگاهی از شرح و تفسیر این خطبه نک: شرح های متعدد نهج البلاغه؛ مجله معرفت، ش ۵۶، صص ۴-۶؛ محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق و عرفان اسلامی.

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

نقش حساس صدا و سیما در الگودهی و اثرگذاری بر شخصیت نوجوانان در سخنان مقام معظم رهبری، چندان مهم و اساسی است که اشاره به چند مورد، گویای این دغدغه اساسی است:

رسانه های جمعی در همه جای دنیا یکی از حساس ترین مراکز به شمار می روند؛ زیرا دستگاه تبلیغاتی و وسیله عمومی مانند صدا و سیما، همواره با مردم همراه است و باید گفت هر عملی که در این رسانه انجام شود، آثارش به زودی در جامعه دیده خواهد شد. (۱)

صدا و سیما و روزنامه ها نباید همواره برای جوان، الگوی یک جوان اشرافی بی درد تن به راحت داده عیاش را مطرح کنند. بعضی از مطبوعات نباید در فلسفه بافی های خود طوری حرف بزنند که جوان خیال کند همه هدف انسان این است که از هر راهی شد، یک مشت پول به دست آورد. اگر توانست یک گواهی علمی برای خودش فراهم کند، وسیله ای برای پول در آوردن در دستش هست. اگر نشد، هر راه دیگری

ص: ۸۴

۱- امیر حسین بانکی پورفرد و احمد قماشچی، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۳۵۴.

که شد، ولو قاچاق، ولو تن دادن به ذلت و خفت و اهانت، ولو با دستبرد زدن به این و آن. نباید پول را عمده کرد. پول ارزش نیست. هدف، در آوردن پول نیست. پول یک وسیله برای گذران زندگی است. پول خیلی کوچک تر از این است که هدف انسان بشود. برای جوان، الگو را یک الگوی غلط قرار ندهند تا او احساس کند که به جای استعداد و ابتکار و تلاش فراوان و کسب تخصص و علم، باید سراغ پول رفت. (۱)

شما می دانید که جوانان در دنیا چگونه اند. گروه های رپ و فلان و هزار جور بلیه اخلاقی و فکری. جوانان دنیا واقعا به هزار جور ابتلائات مبتلا هستند. گروه های رپ و این چیزهایی که حالا هست، زمان ما هم البته بود. زمان ما «بیتل» های معروف بودند که حالا شنیده ام پیرمرد شده اند. آن گرفتاری های روحی، آن عقده های روانی، آنها را به این چیزها می کشاند. حالا کسانی که در کشورهای عقب افتاده و دوردست از آنها تقلید می کنند، نمی فهمند که آن بیچاره ها دچار چه بیماری هستند. خیال می کنند که پیشرفتی است، در حالی که این یک انحطاط و سقوط است. (۲)

سرگرم کردن جوان ها به چیزهایی که جوان های دنیا پیش از جوان های ما به آنها سرگرم شدند و امروز دارند تاوانش را پس می دهند، کمک به نسل جوان این کشور نیست. عده ای سعی می کنند جوان ایرانی را به بهانه های گوناگون به سمت مسائل سرگرم کننده به موسیقی های مضرّ، به سرگرمی های جنسی و از این قبیل سوق دهند. این همان لجن زاری است که جوان غربی و جوان امریکایی و اروپایی را در خودش دارد، غرق می کند. این چیز تقلید کردنی نیست. در مقابل این بایستید. (۳)

ص: ۸۵

-
- ۱- سیدوحید معتمدی و دیگران، دیدگاه ها در زمینه آسیب شناسی تربیت دینی، صص ۳۹ و ۴۰.
 - ۲- امیرحسین بانکی پورفرد، احمد قماشچی، کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۵۷.
 - ۳- همان، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

بدون تردید، اصلاح هر جامعه ای تنها با تربیت افراد آن جامعه ممکن است که این کار نیز به استفاده از روش های تربیتی نیاز دارد. در این نوشتار آشکار شد که یکی از مهم ترین روش های تربیت انسان، روش تربیتی الگویی است. روش تربیت الگویی بر اساس مشاهده عملکرد الگوها و یادگیری مشاهده ای تحقق می پذیرد. از آنجا که یادگیری افراد جامعه از رسانه ملی نیز بر اساس یادگیری مشاهده استوار است، می توان گفت روش تربیتی رسانه های تصویری مثل سینما و تلویزیون، از نوع روش تربیتی الگویی است. با توجه به اینکه بیشتر یادگیری های انسان ها از طریق یادگیری مشاهده ای و بر اساس روش تربیتی الگویی از رسانه های تصویری صورت می گیرد، لازم است یک بار دیگر به اهمیت صدا و سیما در تربیت افراد جامعه توجه کنیم. به همین دلیل، استفاده از برجسته ترین و قوی ترین دانشمندان در رشته های علمی همچون جامعه شناسی، روان شناسی، روان شناسی اجتماعی، روان شناسی یادگیری، علوم ارتباطات در تهیه و تدوین برنامه های رسانه های دیداری ضروری است. همچنین لازم است آموزه های دینی و لزوم تقلید از الگوهای اسلامی و قرآنی را در قالب های جذاب و نوین مثل فیلم، سریال و کارتون تهیه و پخش کنیم.

پیشنادهای برنامه سازی

پیشنادهای برنامه سازی

۱. الگودهی و الگونمایی از سوی دستگاه ها و نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی جامعه مانند: صدا و سیما، آموزش و پرورش، دانشگاه ها، مساجد، مطبوعات، سینما، باشگاه های ورزشی، تمام اقشار، گروه ها و اصناف و طبقات سنی را شامل می شود؛ چون هر طبقه و گروه اجتماعی دارای ویژگی های روحی و خصلت های ویژه ای هستند که تنها با الگوی ویژه خود ارتباط پیدا می کنند. مثلاً یک الگوی کودک نمی تواند برای گروه سنی جوانان، الگو دانسته شود.

۲. رسانه های گروهی مثل صدا و سیما و مطبوعات باید با توجه به جذابیت و

گستره نفوذشان در شخصیت جوانان، نخست الگوهای ارزنده و متعالی را شناسایی کنند. سپس در قالب فیلم، سریال یا گفت و گو آن را بشناسانند. به این ترتیب، نیاز شدید نسل جوان به الگوطلبی، درست ارضا می شود. در این زمینه، با توجه به گرایش جوانان به الگوها در حیطه های مختلف، لازم است الگوها و انسان های موفق در زمینه های گوناگون علمی، معنوی، هنری، فنی، ورزشی معرفی شوند. طبیعی است معرفی به صورت گفت و گو و بیان تجربه های موفقیت آمیز نیز تأثیر فراوانی دارد.

۳. با توجه به هجوم گسترده فرهنگی غرب، امروزه تبیین عناصر فرهنگ خودی به زبان مورد پسند و در قالب های مورد قبول جوانان مانند: داستان، فیلم، عکس، ورزش، ضروری تر از هر زمان دیگری است و برنامه ریزان و مسئولان فرهنگی جامعه باید به آن توجه کنند. تردیدی نیست که دور شدن جامعه از فرهنگ اسلامی و ملی، راه را برای نفوذ فرهنگ بیگانه و الگوهای غربی هموار می کند.

۴. اطرافیان جوان همچون والدین، اولیا و مربیان مدارس و استادان دانشگاه ها، نزدیک ترین و مؤثرترین افراد برای او به شمار می آیند؛ زیرا جوان برای دست یابی به الگوی مطلوب، ابتدا به رفتار نزدیک ترین انسان هایی که پیرامونش هستند، دقت می کند و می کوشد آنها را در شخصیتش جایگزین کند. بنابراین، لازم است همه ما چنان باشیم که صلاحیت لازم را برای الگو بودن نسل جوان به دست آوریم. (۱)

۵. نوشتن کتاب در شرح حال الگوهای موفق در زمینه های گوناگون، در الگوسازی برای جوانان بسیار مفید است. در این زمینه برای نمونه، می توان به مجموعه «آشنایی با اسوه ها» در زمینه شرح حال اصحاب و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اطهار علیهم السلام نوشته جناب آقای جواد محدثی و مجموعه «دیدار با

ص: ۸۷

ابزار» در زمینه شرح حال دانشمندان اسلامی منتشر شده از سوی پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام اشاره کرد. همچنین لازم است دایره المعارف های زیبا و جامع در زمینه معرفی الگوها در قلمروهای مختلف تدوین شود. ما که خواهان ترویج فرهنگ شهادت و ایثار در میان جوانان هستیم، آیا تاکنون دایره المعارف زیبا و جذابی از الگوهای ایثار و شهادت در دوران جنگ و انقلاب اسلامی تدوین کرده ایم؟

۶. با توجه به علاقه زیاد جوانان به الگوهای هنری و ورزشی، پیشنهاد می شود نسبت به تربیت صحیح الگوهای ورزشی و هنری مطلوب، برنامه ریزی صحیح صورت گیرد تا نسل آینده، الگوهای شایسته و مطمئنی در زمینه های هنری و ورزشی داشته باشند.

۷. در کنار معرفی الگوهای مطلوب و موفق، لازم است با الگوهای نامطلوب به ویژه افرادی که با دست زدن به جرایم مشهود، مقدمات بزه کاری نسل جوان را فراهم می کنند، برخورد جدی و قاطع صورت گیرد. یکی از مؤثرترین انواع یادگیری، یادگیری از طریق مشاهده است که در هر دو بعد مثبت و منفی صورت می گیرد. بی تردید، با توجه به پی آمدهای منفی روحی و روانی جرایم مشهود در جوانان، برخورد جدی با این گونه جرایم، زمینه ارتکاب آن را در دیگران به شدت کاهش می دهد.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. چرا جوانان بیشتر از ورزش کاران و هنرمندان الگو می پذیرند؟

۲. چرا جوانان از حرف ها و کارهای غیر ورزشی و غیر هنری ورزش کاران و هنرمندان نیز تقلید می کنند؟

۳. راه های شناساندن الگوپذیری صحیح و معرفی الگوهای شایسته به جوانان چیست؟

۴. موارد الگوپذیری مردم از رسانه های تصویری و گروهی مثل صدا و سیما،

اینترنت و مطبوعات چیست؟

۵. چرا بین الگوهای جوانان و الگوهای بزرگ سالان و کهن سالان تفاوت و فاصله وجود دارد؟

۶. چگونه می توان جوانان را با الگوهای اسلامی و قرآنی بیشتر آشنا کرد؟

۷. چگونه می توان از طریق نخبگان و دانشمندان جامعه، به شکل گیری و پیدایش الگوهای علمی فرزانه در بین جوانان کمک کرد؟

۸. چرا برخی جوانان در آرایش و پوشش از الگوهای غربی تقلید می کنند؟

۹. اثرپذیری از الگوهای غربی در میان چه تیپ هایی از جوانان بیشتر است؟

۱۰. برای مقابله با عوارض منفی تقلید جوانان از الگوهای غربی، چه راهکارهایی پیشنهاد می کنید؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. تقلید و الگوپذیری از اسوه ها به چه معنی است؟

۲. مراحل تقلید از الگوها چیست؟

۳. حیطه های ضروری تقلید از الگوها چیست؟

۴. گونه های تقلید نادرست و کورکورانه چیست؟

۵. گونه های تقلید درست و معقول چیست؟

۶. روش تربیتی الگوپذیری در بین دیگر روش های تربیتی از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است؟

۷. شرایط و ویژگی های الگوهای صحیح و قابل تقلید چیست؟

۸. حد و مرز رابطه صحیح بین الگو و الگوپذیر (اسوه و متأسی) چیست؟

۹. نقش الگوها در تغییر نگرش ها و گرایش های افراد جامعه چیست؟

۱۰. اصول صحیح حاکم بر جامعه الگوی اسلامی چیست؟

۱. مصطفی عباسی مقدم، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲. هادی حسینی خانی، تربیت الگویی زنان در قرآن، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳. محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، (۱) تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴. مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۵. محمدتقی مصباح یزدی، نقش تقلید در زندگی انسان، (۲) قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۲.

ص: ۹۰

-
- ۱- در این کتاب مباحث مختلفی درباره الگوسازی و اسوه بودن حضرت زهرا علیهاالسلام، بیان شده است.
 - ۲- این کتاب به جدیدترین شبهه های برخی روشن فکران درباره تقلید از علمای دینی، به طور مستدل و منطقی پاسخ داده است.

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

کتاب

نشریه

کتاب

کتاب

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آلن مارلت، جی و مارتا آپری، روان شناسی تقلید (روش های الگوگزینی)، ترجمه: سیامک رضا مهجور و پروین غیائی جهرمی، شیراز، انتشارات راهگشا، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، التحقيق، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۳. احمدی، سیداحمد، روان شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان، انتشارات مشعل، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۴. استادی، رضا، امامت در چند درس، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۱.

۵. اسدی گرامرودی، محمد، درس هایی از تربیت انسانی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.

۶. افروز، غلام علی، چکیده ای از روان شناسی تربیتی (کاربردی)، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۷. _____، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۸. _____، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و

مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۹. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸.

۱۰. _____، اسلام و تعلم و تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

۱۱. _____، بررسی مسائل کلی امامت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۰.
اول، ۱۳۸۰.

۱۲. باقری، خسرو، آسیب و سلامت در تربیت دینی، (کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی)، تهران، نشر تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۳. _____، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۱۴. باندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه: فرهاد ماهر، شیراز، راهگشا، چاپ اول،

۱۵. بانکی پورفرد، امیرحسین و احمد قماشچی، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، نشر تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۶. بانکی پورفرد، امیرحسین و احمد قماشچی، کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، نشر تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۷. حاجی ده آبادی، محمدعلی، آسیب شناسی روش اسوه پردازی در تربیت دینی، (کتاب ششم تربیت اسلامی ویژه آسیب شناسی تربیت دینی)، تهران، نشر تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۸. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۹. رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتح، تصحیح: الهی قمشه ای، شرکت تضامنی علمی، چاپ دوم، ۱۳۲۰.
۲۰. رشیدپور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش ها)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۲۱. _____، روش های تربیتی، تهران، واحد انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۲۲. سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران (جلد اول: شیوه های برخورد با نوجوانان)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
۲۳. سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه شناسی کج روی، زیر نظر: صدیقی اورعی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۴. سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
۲۵. شرفی، محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۶. شیخ طوسی، محمدبن حسن، الفهرست، قم، منشورات الشریف الرضی.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ شده در ضمن کتاب «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» مجموعه مقالات.

۲۸. _____، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۳ هـ . ق.

۲۹. طبرسی، ابن منصور احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، بیروت، لبنان، منشورات، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۳۰. عباسی مقدم، مصطفی، اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ص: ۹۲

۳۱. _____ ، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۳۲. فرهادیان، رضا، اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۳۳. قائمی امیری، علی، خانواده و تربیت کودک، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۴. _____ ، زمینه تربیت، تهران، انتشارات امیری، چاپ هفتم، ۱۳۷۰.
۳۵. قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، ترجمه: سیدمحمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
۳۶. کاویان، محمد، ارزش یابی مفاهیم روان شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی، قم، مؤسسه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۳۷. کلاین برگ، اتو، روان شناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، چاپ دهم، ۱۳۷۰.
۳۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۳۹. مبارک الجزری، ابی السعادات (المعروف بابن الاثیر)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الوفا، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۴۱. محمدی ری شهری، محمد، فلسفه امامت و رهبری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۴۲. _____ ، مبانی شناخت، قم، انتشارات دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۴۳. _____ ، میزان الحکمه، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، المطبعه الاولی، ۱۳۶۳.
۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵.
۴۵. _____ ، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۴۶. _____ ، جامی از زلال کوثر، تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴۷. _____ ، نقش تقلید در زندگی انسان، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۴۸. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

۴۹. مظلومی، رجب علی، جوان و دین، تهران، نشر آفاق، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۵۰. معتمدی، سید وحید و دیگران، دیدگاه ها در زمینه آسیب شناسی تربیت دینی، تهران، انتشارات عابد، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵۱. مفید، ابی عبدالله محمد، کتاب الامالی، قم، منشورات جماعه المدرسين فی حوزه العلمیه، ۱۴۰۳ ه. ق.

۵۲. منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک تحول روانی از کودکی تا پیری، تهران، نشر ترمه، چاپ ششم، بی تا.

۵۳. موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی با همکاری انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۵۴. مهدی زاده، حسین، آیین عقل ورزی (پژوهشی در باب جایگاه عقل در تربیت از دیدگاه امام موسی کاظم علیه السلام در روایت هشام بن حکم، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۵۵. ناظم زاده قمی، سیداصغر، جلوه های حکمت (گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام)، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۵۶. نوابی نژاد، شکوه، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

۵۷. نهج البلاغه، ترجمه های صبحی صالح، عبده و فیض الاسلام.

نشریه

نشریه

۱. دانشور، فؤاد، مقاله «شریعتی و نقد دموکراسی»، کتاب نقد، فصل نامه انتقادی، فلسفی، فرهنگی، شماره مسلسل ۲۱، زمستان ۱۳۸۰.

۲. ذاکری، علی اکبر، مقاله «اعلمیت و مرجعیت»، مجله حوزه، شماره ۵۶ و ۵۷ (ویژه مرجعیت)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

۳. رستمی زاده، رضا، مقاله «الگوی های تربیتی در قرآن»، مجله معرفت، شماره ۶۹، شهریور ۱۳۸۲.

۴. رستمی، علی اکبر، مقاله «جایگاه اکثریت در نظام اسلامی و دموکراسی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، فصل نامه پژوهشی در زمینه علوم انسانی (ویژه نامه علوم قرآنی)، سال اول،

ص: ۹۴

۵. رضوی، سیدعباس، مقاله «علل اوج و فرود گرایش دینی»، قم، مجله حوزه، شماره ۵۸، مهر و آبان ۱۳۷۲.

۶. شرفی، حسین، مقاله «مرجعیت و شایستگی های اخلاقی»، مجله حوزه، شماره ۵۶ و ۵۷ (ویژه مرجعیت)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

۷. فدایی، فرید، مقاله «روان شناسی فوتبال حرفه ای»، روزنامه کیهان، ۸ مرداد ۱۳۸۱.

۸. قائمی مقدم، محمدرضا، مقاله «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شماره ۶۹، شهریور ۱۳۸۲.

۹. مطهری، مرتضی، مقاله «استقلال فکری»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۱.

۱۰. مغربی، فغفور، مقاله «نقش الگوها در زندگی جوانان»، مشهد، مجله نگاه حوزه، شماره ۴۸ _ ۴۹ _ ۵۰.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

